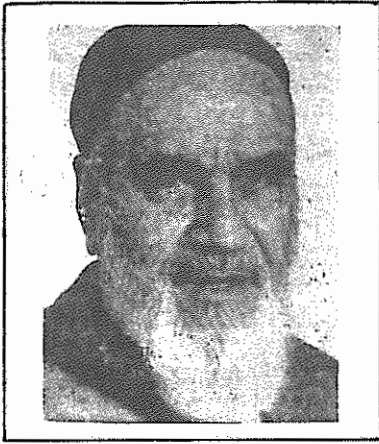


امام خمینی:

همه چیزهایی که ما داریم

از این مردم است خصوصاً از این مستضعفین



در صفحه ۳

بمناسبت ۲۶ آبان سالگرد پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان
رهنم و ده های امام خمینی را
درمورد کردستان اجرا کنید

در صفحه ۱۰

ساده لوحانه

برای بزرگ مالکان کلاه شرعی ندوزید

• طرح پیشنهادی ۱۶ نماینده مجلس با عنوان "رسیدگی به مالکیت زمین های زراعی و واگذاری اراضی در جمهوری اسلامی ایران" مصداق کامل این ضرب المثل است که می گویند: "راه جهنم نیز با نیت حسنه مفروش است"

در صفحه ۸

مانور ستاره درخشان خشم انقلابی توده های منطقه را
علیه امپریالیسم امریکایی برانگیخته است

در صفحه ۱۴

نقش و مسئولیت قوه قضائیه
در تأمین عدالت اجتماعی
و آزادی های قانونی

• در جمعه - صوری اسلامی ایران مسئولیت عظیم "احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع و نظارت بر حسن اجرای قوانین" بر عهده قوه قضائیه است. اهمیت این مسئولیت عظیم زمانی بهتر آشکار می شود که از یک سو ویژگی های جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر پیچیدگی های لحظه کنونی روند تکاملی انقلاب ایران مورد توجه قرار گیرد.

انقلاب ایران در مرحله کنونی هنوز درگیر حادث ترین مبارزه با توطئه های امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی برای حفظ پیروزی هایی است که بدست آورده است. انقلاب برای اینکه عقب نرود باید پیش برود و برای اینکه پیش برود باید به خواست مجروحان جامعه برسد و سد مقاومت کینه توزانه سرمایه داران و ملاکین بزرگ را درهم شکند. انقلاب ایران برای اینکه پایدار بماند باید از توان همه نیروهای مدافع انقلاب بهره گیرد و این ممکن نیست، مگر اینکه آزادی دفاع از انقلاب در پیکار علیه ضدانقلاب برای همه مدافعان انقلاب تأمین و تضمین شود. سرکوب توطئه های امپریالیسم و ضدانقلاب، براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و گسترش عدالت اجتماعی، تأمین و تضمین آزادی دفاع از انقلاب برای همه مدافعان انقلاب مهمترین وظایفی است که فراروی ما قرار گرفته است.

بقیه در صفحه ۲

طرح وزارت خارجه در مورد افغانستان
مغایر با مصالح و اهداف
انقلاب ایران است

در صفحه ۵

تهداتی که دولت در قبال

تشکلهای کارگری دارد

در صفحه ۶

متحد شوید!

تجاوزات امپریالیسم امریکایی و رژیم صدام را در هم کوبیم

بقیه از صفحه ۱

نقش و مسئولیت ...

● در انجام این مهم، قوه قضائیه ایران نقش بسیار مهم و برجسته‌ای داشته و دارد. نقش برجسته فاطمیت دادگاه‌های انقلاب در مجازات مهمترین مهره‌های رژیم شاه و نابود کردن مهمترین شبکه‌های ضدانقلاب که تا هم‌امروز هنوز هم جریان دارد بیگمان در تاریخ انقلاب ایران همواره مورد تاکید خواهد بود. سیاست دادگاه‌های انقلاب که در تمام دوران پس از انقلاب رکن اساسی قوه قضائیه بوده‌اند در سرکوب قاطع عوامل رژیم گذشته و متلاشی کردن شبکه‌های آنان با تائید و استقبال همه نیروهای انقلابی و توده‌های وسیع مردم زحمتکش روبرو هستند.

● طی ماه‌های گذشته سیاست و روش دادگاه‌های انقلاب در مواجهه با تروریسم و درهم شکستن و خنثی کردن این نقشه شوم امپریالیستی در مقالات متعدد نشریه کار مورد بحث قرار گرفته است. اکنون دیگر به نظر می‌رسد پیشنهادها ما برای کار دادگاه‌های انقلاب در مواجهه با تروریسم روشن‌تر از آن بوده باشد که نیاز به تشریح مجدد داشته باشد.

ما پیشنهاد کرده‌ایم صدور احکام اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیه اعضا و هواداران سازمان‌های چپ‌رو که مستقیماً در عملیات مسلحانه شرکت نداشته‌اند متوقف گردد و از سوی دادستان انقلاب به اینگونه افراد اطمینان داده شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جنایات یادشده، محکوم به اعدام نخواهند شد. ما گفته‌ایم که باید قاطعانه حساب رهبران خیانتکار را از هواداران نوجوان گمراه جدا کنند. خلق حق دارد و باید دشمنان سوگندخوردۀ انقلاب خائنین به خلیق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون چکرتین مفاشات سرکوب کند. در عین حال باید با اتخاذ سیاست ارشادی، شرایطی فراهم آورد که نوجوانان و گمراهانی که خود عامل اصلی راهی که رفته‌اند، نیستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کاملاً مبهم انقلاب آن است که از اعدام‌های عجولانه و ناسنجیده مطلقاً اجتناب شود و موازین حقوقی و قانونی در مورد متهمین مراعات گردد.

ما فکر می‌کنیم اگر از ابتدا این سیاست اصولی بکار بسته می‌شد امروز اعتماد مردم به صلاحیت و اعتبار قوه قضائیه بسیار بیشتر بود. اگر از ابتدا این سیاست بدون کوچکترین نوسان بکار بسته می‌شد، هم ضدانقلاب و خرابکاران هیچ دست‌آویزی برای تحمیل هواداران گول‌خورده و چپ‌رو گروهک‌ها نداشتند و هم بوق‌های تبلیغاتی امپریالیستی فرصت نمی‌یافتند چهره دیگری از جمهوری اسلامی ایران در اذهان جهانیان ترسیم نمایند.

● بعد از این ماهیایی که پشت سریناده‌ایم اکنون خوشبختانه به نظر می‌رسد مهمترین مقامات جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که انقلاب ما یقیناً توان آن را دارد که در برخورد با خیل گمراهان از سیاست ارشادی پیروی کند قبل از این اظهارات رئیس شورای عالی قضایی و دادستان کل انقلاب و اخیراً هم سخنان دلسوزانه و ارشادگرانه آقای رئیس‌جمهور نشانه آن است که این امید وجود دارد که رهنمودامام که بعد از شهادت شهید باهنر و شهید رجایی اعلام شد، بکار بسته شود و از زیاده‌روی و از شدت عمل و خشونت بپهلو و انتقام‌جویانه برهیز شود.

وقته زمانی قابل توجه در صدور احکام اعدام دسته‌جمعی توسط دادگاه انقلاب مرکز و نمایش فیلم تلویزیونی از زندان اوین و شرکت خیل انبوه بازگشتگان به آغوش انقلاب در تظاهراتی که در محوطه زندان برگزار شد نیز شواهدی هستند که جوانه این امید را در مردم کاشته است که کاربست سیاست دیگری جز سیاست ماهیایی گذشته کاربست سیاستی متین‌تر و حساب‌شده‌تر در برخورد با گمراهان درپیش گرفته می‌شود.

● هم خطبه‌های نمازجمعه و هم سخنرانی قبل از آن در دانشگاه تهران که در هفته گذشته توسط مهمترین مقامات قضایی جمهوری اسلامی برگزار شد می‌تواند نشانه توجه جدی مردم به کار قوه قضائیه هم تلقی شود. مردم در سراسر ایران با دقت تمام سخنان مسئولین درجه اول قوه قضائیه را شنیدند مردم انتظار داشتند در کنار تاکیدات مکرری که این مسئولان روی ضرورت اعمال قاطعیت بیشتر دادگاه‌ها داشته‌اند روی جنبه‌های دیگر مسئولیتی که انقلاب برعهده ایشان نهاده است، تاکید می‌شد. جای اعلام مجدد پایبندی دستگاه قضایی کشور به اطلاعیه ده‌ماده‌ای و مطمئن‌ساختن مجدد مردم به اجرای بی‌خدشه آن هم در خطبه‌ها و هم در سخنرانی قبل از آن کاملاً خالی بود. مسأله مهم مردم تأمین امنیت است. و امنیت نیز دو جنبه دارد اول سلب آزادی نیروهای ضدانقلابی و سرکوب آنان دوم آزادی نیروهای انقلابی و دفاع عملی قانون از آزادی فعالیت آنان. اگر بخواهد دومین شرط تأمین امنیت نادیده گرفته شود آنگاه قطعاً امنیت انقلاب در معرض خطر قرار خواهد گرفت ما بار دیگر در همین‌جا تاکید می‌کنیم ضرورت انکارناپذیر انقلاب آن است که قوه قضائیه با روشن‌بینی، صف خائنین به خلق و مزدوران و عوامل دشمن را از فریب‌خوردگانی که خیال می‌کنند در خدمت انقلابند اما علیه آن عمل می‌کنند، جدا کند. قوه قضائیه باید شرایط فعالیت آزادانه سیاسی را برای همه مذافقان انقلاب و پشتیبانان جمهوری اسلامی ایران در سراسر کشور تأمین نماید. درنگ در اجرای این وظایف، بی‌گمان موجب می‌شود چهره دیگری از سیمای انقلاب ایران در ذهن مردم ایران و جهان ترسیم شود. ما که قصد ارائه همساز ارزش‌های ولای انقلابمان در سراسر جهان را در سر داریم چگونه است که درک نمی‌کنیم که این یک جانبه‌نگری‌ها چه آسیب سختی را متوجه این ارزش‌ها خواهد ساخت آیا هنوز هم روشن نیست که تأمین و تضمین آزادی فعالیت همه نیروهای مدافع انقلاب و تعالی جمهوری اسلامی ایران تا چه میزان عمیقاً با سرنوشت انقلاب گره خورده است؟

● هفته گذشته سرانجام نتایج انتخابات شورای عالی قضایی اعلام شد و آقایان مقتدایی و قسمی برای عضویت در شورا برگزیده شدند توده مردم با نام کسانی که انتخاب نشدند بیشتر آشنا بودند تا کسانی که انتخاب شدند. به همین دلیل بود که داوری پیرامون این گزینش بیشتر به روش غیرمستقیم بود تا مستقیم و ما زمانی که سه عرصه اصلی مبارزه یعنی سرکوب نوظهوری و آشوب‌طلبی، بنیان‌کنی بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری و گسترش عدالت اجتماعی و تأمین آزادی‌های سیاسی و تضمین حقوق اجتماعی مردم، مصرحه در قانون اساسی را مورد توجه قرار می‌دهیم، می‌توانیم از روی عدم انتخاب طرفداران شهیر و شناخته‌شده سرمایه‌داری و مالکیت نامحدود و کسانی که به اتکال "حجاز" و از این قبیل چهره خشنی از قوانین شرع ساخته‌اند نیز به این نتیجه برسیم که اکثریت قضات

رای‌دهنده نیز به این نتیجه‌گیری رسیده‌اند که تأمین و تضمین آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی برای انقلاب ایران دارای اهمیتی فوق‌العاده است و در این بحبوحه پیچیدگی‌های انقلاب باید کسانی انتخاب شوند که هم معتقد به ضرورت آرامش متکی به قانون باشند و هم معتقد به ضرورت گسترش هرچه سریع‌تر عدالت اجتماعی و تأمین خواست‌های بنیادین محرومان

● اکنون در آستانه انتخاب بقیه اعضای شورای عالی قضایی بجاست تاکید شود که در زمینه چگونگی اجرای اصول ۴۴ و ۴۹ قانون اساسی که به تعیین حدود و قلمرو مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی و احقاق حقوق محرومان و مستضعفان جامعه باز می‌گردد، در طیف مسئولان جمهوری اسلامی ایران دو شیوه برخورد به چشم می‌خورد. یک نگرش، پرکردن گودال‌های عظیم فاصله طبقاتی و بازستاندن حق توده‌های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا را به لحاظ قانونگذار بر عهده مجلس شورای اسلامی و به لحاظ اجرا بر عهده قوه مجریه می‌داند و معتقد است حدود مالکیت و تحدید آن باید به وسیله قانون معین شود و تنها نقض این قوانین چه از سوی مسئولان چه از سوی دیگران باید توسط قوه قضائیه مورد رسیدگی قرار گیرد. نگرش دیگر مسأله تأمین عدالت اجتماعی را بطور کلی بر عهده قوه قضائیه می‌داند و می‌گوید هر مورد سلب و ایفاء و یا احیای مالکیت افراد باید در دادگاه‌ها مورد رسیدگی قرار گیرد و چنانچه "غیرشرعی بودن" آن اثبات شد مال از مالک ستانده شود و به صاحب آن مسترد گردد. که نمونه‌های بارز این دو شیوه برخورد یکی قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب است که مطابق بند "ج" "د" آن، دولت (قوه مجریه) می‌باید توسط هیات‌های هفت نفره زمین تمام ملاکینی که بیش از سه برابر عرف محل زمین در اختیار دارند را پس بگیرد و به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین بازپس دهد. و دیگری طرح ۱۶ نفر از نمایندگان مجلس در مورد همین مسأله است که می‌گوید قوه قضائیه باید یکی یکی پرونده‌های مالکیت زمین‌های ملاکین را مطالعه کند و در هر مورد که به مالکیت "غیرشرعی" مواجه شد در همان مورد تصمیم بگیرد. این دو نگرش قطع نظر از نیات نیک و بد طرفداران آن در عمل، یکی عملاً مسأله مالکیت را به همانگونه که از زمان شاه و پدرش و قاجاریه و قبل از آن بجا مانده اساساً تأیید می‌کند و در عمل هیچ تغییری به سوسد زحمتکشان بوجود نمی‌آورد، و دیگری درک می‌کند که مالکین و سرمایه‌داران بزرگ از راه غارت پابرنه‌ها و زاغمنشین‌هاست که این کاخ‌ها را ساخته‌اند پس باید به حکم قانون کلی و عمومی که از مجلس می‌گذرد این ثروت‌های غارت‌شده را از آنان پس گرفت و به صاحبان اصلی آن پس داد. و هرکس را هم که این قانون کلی و عمومی را زیر پا نهاد، جهت مجازات به قوه قضائیه سپرد.

● اکنون در آستانه تکمیل شورای عالی قضایی و تکمیل نهادهای وابسته به قوه قضائیه با توجه به ویژگی‌های جمهوری اسلامی، گزینش کسانی که در رأس این قوه قرار می‌گیرند، دارای اهمیت ویژه است. تمام نیروهای ترقیخواه و مردمی، تمام نهادها و نیروهای انقلابی و از جمله اکثریت مجلس شورای اسلامی می‌گویند و می‌خواهند که ساختار و عملکرد قوه قضائیه به‌گونه‌ای باشد که هم امنیت و آزادی‌های متکی به قانون در جامعه انقلابی ما تأمین و تضمین گردد و هم عدالت اجتماعی و پرکردن این گودال‌های فاصله طبقاتی صورت تحقق به خود بگیرد.

امام خمینی :

همه چیزهایی که ما داریم

از این مردم است

خصوصاً

از این مستضعفین

اسلامی را تنفیذ کرد رئیس جمهور درست کرد و اونها هم دولت درست کردند . همه چیزهایی که ما داریم از این مردم است خصوصاً از این مستضعفین . اون بالایی ها با مردم کاری ندارند اونها مشغول کار خودشان هستند اونها ناراضی می خواهند درست کنند و نکته اش هم معلوم است از آن سبوتی که بطور آزاد داشتند حالا نمی توانند داشته باشند اون شهوات آزادانه ای که آنها داشتند هرکاری دلشان بخواهند بکنند هر مجلسی بخواهند درست کنند هر بساطی بخواهند درست کنند ، الا دیگر در جمهوری اسلامی نمی شود این معنا از این جهت اونها یا کارکنشی می کنند یا کاری به شاها ندارند اما اون که شما را از اون رنج ، از اون عذاب ، از اون گرفتاری بیرون آورد و آورد به مقام دولت رساند این مردم بودند ، تا این مردم را دارید خوف اینکه بتوانند به شما آسیب برسانند هیچ نداشته باشید برای اینکه اونها آسیب را با یک نفشه هایی درست می کنند نمی آیند بریزند ملت را بکشند ، اونها ملت را می خواهند از کار بکشند ، نمی خواهند مملکت را خراب کنند می خواهند مملکت آباد باشد از چیز ببرد ، اونها با

نقشه هایی بین دولت و شاکف ایجاد می کنند شاکف دولت و روحانیت شاکف ایجاد می کنند این شاکف کم کم اگر زیاد شد اسباب ناراضی شد مردم از دولت منحرف می شوند شما یا باید با سرنیزه با مردم رفتار کنید یا بروید کنار این موهبت الهی که به شما شده است و به همه ما شده است و به همه مسلمین شده است . این موهبت الهیه را همین طور بگیرید و محکم نگذارید هم به آقای رئیس جمهور این را عرض می کنم و هم به آقای نخست وزیر و هم به همه شما

● " الان در منطقه اینطوری است که یک عده معدودی می خواهند بر همه منطقه حکومت کنند و هیچ کار بقیه در صفحه ۱۸

می کرد و محمدرضا هم اینطور بود و این اسباب این می شد که اینها بتوانند سلطه خودشان را تحمیل می کنند برای اینکه غیر یک نفر کسی نیست . با یک نفر می شود تفاهم کرد اینکه اینها نمی خواهند پای ملت در کار باشد برای اینکه با ملت تفاهم کردن کار آسانی نیست اما با یک نفر رئیس جمهور ، با یک نفر نخست وزیر با یک نفر شاه اینها می توانند تفاهم کنند و مسائلشان را به او بگویند و او هم به مردم تحمیل کند .

● " ما بنای بر این نداریم یعنی دولت ما بنای بر این ندارد که یک مساله ای را در یک اتاق سر بسته این مساله را خودش طرح بکند و تحمیل کند بر ملت مثل قضیه پیشنهاد فهد .

● " ما نمی خواهیم که و شما نمی خواهید که برگردد مساله به مساله زمان محمدرضا یا زمان رضاخان و اگر سست ما بیائیم و این هماهنگی را حفظ نکنیم خوف این معنا هست که آنهایی که از اسلام سلی خوردند و آنهایی که نگران اوضاع ایران بلکه نگران اوضاع منطقه هستند یک کاری بکنند یک راهی را پیش بگیرند که ملت را خسته کنند اختلاف ایجاد کنند بین افراد ملت اختلاف ایجاد کنند بین دولت و ملت و یک راهی بازکنند که یک رضا شاهی را دوباره بیاورند . به عنوان رئیس جمهور اسلامی به عنوان شاهنشاهی نمی آورند به عنوان رئیس جمهور صد درصد اسلامی و بسیاری از مسائل اسلامی را هم از من و شما بیشتر عمل کند از این جهت در راس برنامه های دولت باید این مطلب باشد که این هماهنگی را حفظ بکند خیال نکنند که ما دولت هستیم و باید مساله ای را که ما مطرح می کنیم ، ملت بپذیرد چه روی مصالحش نباشد .

● " همینطوری که شما دیدید در زمان محمدرضا و رضاشاه دولت ملت را هیچ حساب می کرد چنانچه آن کسی که در راس بود ، خائنی که در راس بود همه را هیچ حساب می کرد ، رضاخان همه را هیچ حساب

● " و منجمله از تحولات این هماهنگی ملت با دولت است . این راس شاید سایر

تحوالات باشد . ما باید این هماهنگی را با هر قیمتی که شده است با هرزحمتی که شده است حفظ کنیم اگر خدای نخواست از دست ما این هماهنگی بیرون برود کارهای شما فشل خواهد شد . و مملکت به همان مسائلی که سابق بود خدای نخواست کشانده خواهد شد .

● " ما بنای بر این نداریم یعنی دولت ما بنای بر این ندارد که یک مساله ای را در یک اتاق سر بسته این مساله را خودش طرح بکند و تحمیل کند بر ملت مثل قضیه پیشنهاد فهد .

● " ما نمی خواهیم که و شما نمی خواهید که برگردد مساله به مساله زمان محمدرضا یا زمان رضاخان و اگر سست ما بیائیم و این هماهنگی را حفظ نکنیم خوف این معنا هست که آنهایی که از اسلام سلی خوردند و آنهایی که نگران اوضاع ایران بلکه نگران اوضاع منطقه هستند یک کاری بکنند یک راهی را پیش بگیرند که ملت را خسته کنند اختلاف ایجاد کنند بین افراد ملت اختلاف ایجاد کنند بین دولت و ملت و یک راهی بازکنند که یک رضا شاهی را دوباره بیاورند . به عنوان رئیس جمهور اسلامی به عنوان شاهنشاهی نمی آورند به عنوان رئیس جمهور صد درصد اسلامی و بسیاری از مسائل اسلامی را هم از من و شما بیشتر عمل کند از این جهت در راس برنامه های دولت باید این مطلب باشد که این هماهنگی را حفظ بکند خیال نکنند که ما دولت هستیم و باید مساله ای را که ما مطرح می کنیم ، ملت بپذیرد چه روی مصالحش نباشد .

● " همینطوری که شما دیدید در زمان محمدرضا و رضاشاه دولت ملت را هیچ حساب می کرد چنانچه آن کسی که در راس بود ، خائنی که در راس بود همه را هیچ حساب می کرد ، رضاخان همه را هیچ حساب

● " و منجمله از تحولات این هماهنگی ملت با دولت است . این راس شاید سایر

جه بیشتر جمهوری به توده های میلیونی محرومان و تلاش برای جلب هر چه بیشتر آنان بود . جوهر کلام امام این بود که اگر جمهوری اسلامی قرار است به شاه حکومتی مردمی و نیرومند باقی بماند و علیه دشمنان انقلاب پیروزمندانه مبارزه کند باید قبل از هر چیز به توده های مردم متکی باشد و این شدنی نیست مگر با پاسخگویی به خواست های توده های میلیونی زحمتکش این رهنمود صریح و انقلابی امام که جوهر درک رهبری انقلاب را نشان می داد . بدون تردید می بایست سمرق و راهنمای عمل تمامی نیروهای راستین پیرو امام خمینی قرار گیرد و قطعا آنهایی که در راه تحقق این سخنان امام تلاش نکنند نمی توانند پیروان صدیق خط امام باشند . این سخنان امام از این پس می تواند و باید بهترین و مشخص ترین ملاک شناخت نیروهای واقعی خط امام از کسانی باشد که خود را خط امامی می دانند اما در خلاف جهت تفکر سیاسی امام حرکت کرده و می کنند امام با این سخنان صریح خود در واقع به توده های مردم رهنمود داد که پیروان واقعی او و نیروهای واقعی انقلابی را از سازشکاران ، انقلابی نمایان و دشمنان انقلاب باز شناسند .

مهمترین نکات سخنان امام به قرار زیر بود :

● " و منجمله از تحولات این هماهنگی ملت با دولت است . این راس شاید سایر

امام خمینی در مقام رهبر انقلاب همواره با قدرت و بصیرتی کم نظیر انقلاب را در پیچ و خم های تند آن و در باریک های حساس و لغزنده آن با موفقیت هدایت کرده اند . بیاد آوریم روزهای پیش از انقلاب را که رهنمودها و فرمان های به موقع و محکم امام ، انقلاب را قدم به قدم به سوی روزهای پیروزمند انقلاب بهمن هدایت کرد . بیاد آوریم روزهای تسخیر سفارت و به زیر کشیدن لیبرالها ، روزهای حساس سرنوشت سازی که بنی صدر برای تحکیم اقتدار خویش و تضعیف خط امام خیز برداشته بود . اگر همه حوادث سالهای طوفانی و انقلابی اخیر را به دقت مرور کنیم خواهیم دید که امام خمینی تاکنون با چه مهارت و بصیرتی کشتی انقلاب را در دریای متلاطم طوفان ها هدایت کرده است او که از روزهای ۱۳۴۲ تا به امروز رهبر جنبش و انقلاب بوده است ، بی تردید در روزهای حساس کنونی با ذخیره ای از صدها تجربه تلخ و شیرین به ارزیابی تحولات انقلابی ایران می پردازد و با طراوت و مهارتی که درخور یک رهبر پرتجربه انقلاب است ، جمهوری اسلامی را هدایت می کند .

سخنان بسیار مهمی که امام روز شنبه ۲۳ آبان ماه برای هیئت دولت جمهوری اسلامی ایراد کرد ، نمونه ای از شخصیت عمیق ایشان به ضرورت اتکای هر

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

بمناسبت اوجگیری جنبش دموکراتیک صلح
در کشورهای اروپایی

صلح جهانی و اهمیت مبارزه در راه حفظ و تحکیم آن قسمت دوم

مسابقه تسلیحاتی برای تولید سلاح‌های اتمی که از سوی امپریالیست‌ها مداوماً به آن دامن زده می‌شود برای صلح جهانی بسیار خطرناک است. کارشناسان اتمی ارزیابی کرده‌اند که مجموعه ظرفیت زرادخانه‌های اتمی دو کشور آمریکا و شوروی بیش از یک میلیون برابر قدرت بی‌عی است که در جریان جنگ جهانی دوم بر فراز شهر هیروشیما رها شد. و بنا براین قابل تصور است که در صورت بروز یک جنگ هسته‌ای چه خساراتی ببار خواهد آمد اتحاد شوروی تاکنون بارها پیشنهادهایی مبنی بر کاهش مسابقه تسلیحاتی و به خدمت رفته داده که از سوی امپریالیست‌ها پاسخ مساعدی به این پیشنهادات داده نشده است مذاکرات آمریکا و شوروی در زمینه محدود کردن سلاح‌های اتمی هرچند نتایجی دربرداشته، لیکن هنوز از هدف اصلی آن که محدود ساختن تولید سلاح‌های هسته‌ای فوق مدرن باشد، بدور است. ایالات متحده، و کشورهای عضو پیمان ناتو و همچنین چین تاکنون به طرق مختلف بر سر راه توافق‌های بین‌المللی در زمینه خلع سلاح سنگ‌اندازی کرده‌اند.

نظریه‌پردازان شوونیست چین می‌گویند خطر جنگ اتمی را کم جلوه دهند تا توجیهی برای مخالفت خود با سیاست‌های صلح‌جویانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی داشته باشند. توجیهات آنها در کمک به تلاش برخی از محافل حاکمه امپریالیستی است که تلاش دارند نتایج چنین جنگی را عادی وانمود سازند

دیوانگی خطرناک است

اکنون این مسأله، بدیهی است که تراکم وسایل جنگ افروزی و انهدام دسته‌جمعی بشر به چنان درجه‌ای رسیده است که کاربرد آنها وجود کل بشریت را به نابودی یکشاند. به همین دلیل مقابله با سیاست مسابقه تسلیحاتی نیز جنبه‌ای از مبارزه در راه تحکیم صلح جهانی را تشکیل می‌دهد و تحکیم صلح جهانی به معنای دفاع از زندگی بشریت و دفاع از همه دستاوردهای تمدن انسانی خواهد بود. تعادل استراتژیک بین قوای نظامی در اردوگاه سوسیالیسم و امپریالیسم جهانی یکی از دستاوردهای تاریخی با

اهمیت بشری است. هرگونه تلاشی برای برهم زدن این تعادل از جانب امپریالیست‌ها سبب خواهد شد که اردوگاه سوسیالیستی نیز به منظور تقویت نیروی دفاعی خویش که عاملی بسازارنده بر سر سیاست‌های تجاوزگاران امپریالیستی است، اقدام نماید. در عین حال این تعادل قوا را نمی‌توان تنها ضامن کافی علیه توطئه‌ها و تجاوزات محافظان امپریالیستی تجاوزگر برای آغاز یک جنگ جهانی بحساب آورد. تنها با حذف

زمینه‌های مادی جنگ می‌توان از جنگ بطور کلی جلوگیری کرد. امپریالیسم منشاء اصلی جنگ است با این همه می‌توان و باید با پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و پذیرش خلع سلاح عمومی و کامل، عوامل جنگ افروزی را منزوی ساخت چشمه‌های جنگ را خشکاند و صلح جهانی را تضمین نمود. اگر شعار خلع سلاح عمومی جامه عمل به خود پوشد نتیجه مستقیم آن کاهش بار مالیات‌ها و افزایش اشتغال در کشورهای سرمایه‌داری خواهد بود و بنابراین این شعار با منافع وسیع‌ترین بخش‌های مردم این کشورها مطابقت دارد و بدیهی است

که نه تنها کمونیست‌ها، بلکه بسیاری از نیروهای اجتماعی دیگر نیز از این شعار حمایت می‌کنند. برای اثبات این مطلب کافی است خاطر نشان شود که براساس آمارهای سازمان ملل، هزینه‌های نظامی کشورهای عضو پیمان ناتو از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ به میزان ۵۰ درصد افزایش داشته و در همان حال تعداد

بیکاران این کشورها از ۱۴ میلیون نفر به ۲۰ میلیون نفر رسیده است.

تشنج فزاینده خواست

امپریالیسم و

تشنج زدائی خواست

اردوگاه سوسیالیسم است

در استراتژی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی عامل نظامی‌گری هرگز یک عامل تعیین کننده نبوده است. نیروی نظامی همواره وظایف حفاظتی، دفاعی، تأمین امنیت بین‌المللی برای ساختمان صلح‌آمیز کمونیسم دفاع و پاسداری از اردوگاه سوسیالیستی در مقابل تجاوزات امپریالیستی و جلوگیری از توطئه‌های ماجراجویانه امپریالیسم علیه جنبش‌های آزادیبخش و دولت‌های مستقل را به عهده داشته است. معضله‌ها نیز هرگز همین اهداف نیز هرگز کشورهای سوسیالیستی آغازکننده مسابقه تسلیحاتی نبوده‌اند. هرگامی که آنها در تقویت سیستم‌های دفاعی خویش برداشته‌اند در پاسخ تدارکات نظامی امپریالیست‌ها بوده است. در زیر به مقایسه پاره‌ای از این اقدامات اشاره می‌شود:

۱ - ابتدا لازم به تذکر است که پیمان تجاوزگاران ناتو با عضویت ۱۲ کشور آمریکا، انگلستان، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، کانادا، ایسلند، نروژ، دانمارک، هلند، بلژیک، لوکزامبورگ و پرتغال در سال ۱۹۴۹ و با مقاصد تجاوزگاران نسبت به اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیست پیروزمند در جنگ جهانی دوم ایجاد شد. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نیز به منظور دفاع در برابر خطرهای ناشی از این پیمان در سال ۱۹۵۵ به انعقاد پیمان ورشو که یک پیمان صرفاً دفاعی است اقدام کردند.

۲ - ایالات متحده نخستین کشوری بود که در سال ۱۹۴۵ به سلاح اتمی دست یافت و اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۹ ساختن نخستین بمب اتمی خود را به پایان رسانید.

۳ - ایالات متحده نخستین تجربه سلاح‌های گرم هسته‌ای خود را در سال ۱۹۵۲ بدست آورد و

اتحاد شوروی تقریباً یک سال بعد از آن به تولید اینگونه سلاح‌ها دست زد.

۴ - نخستین زبردربایی آمریکا با موشک‌های قاره‌پیما در ۱۹۶۰ آغاز بکار کرد و اتحاد شوروی ۴ سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۴ نخستین زبردربایی خود را بکار انداخت.

۵ - ایالات متحده در سال ۱۹۷۰ به ایجاد موشک‌های قاره‌پیما کلاهک‌های مخصوص دست زد و اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۵ اینگونه موشک‌ها را تولید کرد.

۶ - در همین اواخر علیرغم تمامی اعتراض‌ها و تلاش‌های نیروهای صلح‌دوست جهان، ایالات متحده تصمیم خود را برای ساختن بمب‌های نوترونی اعلام داشت.

نمونه‌های فوق نشان می‌دهد که چگونه مسابقه تسلیحاتی همواره امپریالیست‌ها آغازکننده بوده‌اند و تقویت نیروی نظامی اردوگاه سوسیالیستی صرفاً جنبه تدافعی و ثانوی داشته است.

هزینه‌های مسابقه

تسلیحاتی

براساس تحقیقات کارشناسان موسسه بین‌المللی تحقیقات استراتژیک در لندن، مجموعه هزینه‌های نظامی کشورهای عضو ناتو در سال ۱۹۷۵ بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار بود که در سال ۱۹۸۰ به ۲۲۵ میلیارد دلار رسیده است.

هزینه مخارج تسلیحاتی دنیا به ۵۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. در همان حال هر ساله روی کره زمین بیش از ۳۰ میلیون نفر از گرسنگی به هلاکت می‌رسند و بیش از ۸۰۰ میلیون انسان بی‌سواد و قریب ۱/۵ میلیارد نفر انسان محروم از حداقل خدمات بهداشتی و درمانی وجود دارند و نیمی از کودکانی که به سن تحصیل رسیده‌اند نمی‌توانند به تحصیل بپردازند. برای

پایان دادن به قطعی و گرسنگی، غلبه بر بیسوادی و تأمین خدمات درمانی و بهداشتی و ریشه‌کن کردن بیماری‌های مختلف طبق برآورد کارشناسان سازمان ملل هزینه‌ای برابر با ۱۰ درصد هزینه تسلیحات نظامی جهان کافی خواهد بود. اما نمایندگان بقیه در صفحه ۱۹

طرح وزارت خارجه در مورد افغانستان

مغایر با مصالح و اهداف

انقلاب ایران است

امپریالیسم خبری با استفاده از همان شیوای که در مورد اختلاف ایران و همه انقلاب‌های مردمی جهان بکار می‌گیرد، کوشیده است با عوام فریبی و دروغ‌پردازی حقیقت‌ها را درباره انقلاب افغانستان تحریف کند.

امپریالیسم همواره

بهبانه‌های گوناگون در آستین

دارد.

طرح وزارت خارجه در مورد

افغانستان با نیت مخالفت با

امپریالیست‌های آمریکایی و

اروپایی و برای گرفتن بهانه

از دست آنها تهیه شده است

اما در واقع چیزی جز

عقب‌نشینی در برابر

امپریالیست‌ها نیست. این

برداشت کاملا اشتباه است که

"شوروی با اشغال افغانستان

بهترین بهانه را به آمریکا

می‌دهد تا در منطقه حضور

داشته باشد و در حقیقت

استمرار حضور آمریکا در

منطقه به نحوی وابسته به

حضور نظامی شوروی در

افغانستان است"

(از مصاحبه اخیر

نخست‌وزیر)

در واقع استمرار حضور

آمریکا در منطقه از ماهیت

تجاوزگرانه امپریالیسم

برمی‌خیزد و به هیچ‌نحوی

وابسته به حضور نیروهای

محدود شوروی که برای دفاع از

انقلاب افغانستان در

افغانستان حضور دارند

نیست. قبل از آن نیز

امپریالیسم آمریکا در منطقه

حضور داشته است و پس از

قطع تحریکات آمریکا و چین

و دیگر متحدان آمریکا در

افغانستان و برطرف شدن

ضرورت حضور نیروهای

محدود شوروی در افغانستان

برای جلوگیری از صدور ضد-

انقلاب نیز، امپریالیسم

آمریکا همچنان به ایجاد

پایگاه و تجاوز به حقوق

خلقیهای منطقه ادامه خواهد

دخالت غیرمستقیم امپریالیسم آمریکا در افغانستان است که صورت گرفته است. این امپریالیسم آمریکا بوده که ابتدا برای مقاصد ارتجاعی خود در منطقه و در مرزهای افغانستان حضور پیدا کرده است.

امپریالیسم برای ادامه حیات غارتگرانه خود به ارباب و سرکوب خلقها متوسل می‌شود و در این راه بر قدرت نظامی خود تکیه می‌زند. امپریالیسم برای آنکه به سیاست تجاوزگرانه خود خنود رنگ و آب عوام‌فریبانه‌ای بدهد، به بهانه‌های واهی جنگ می‌اندازد. یا عقب‌نشینی

در برابر امپریالیسم نمی‌توان ابزار بهانه‌جویی را از دستش گرفت زیرا به قول قام مقام وزارت خارجه "این ابزار همواره در دست آمریکا بوده و همواره برای استمرار سلطه و استقرار حضور نظامی خودش، به بازی گرفته شده است. مواردی از آن را

اخیرا با گستردگی زیاد و به عنایت همه ما شاهد هستیم می‌بینیم. آمریکا وقتی نهضت‌های اسلامی را در شمال آفریقا فعال و جوشان و متحرک می‌بیند و وقتی رژیم ساداتی مصر را رو به زوال و پایه‌های سلطه خودش را در آنجا سست می‌بیند، بهانه تهدید لیبی بر علیه مرزهای سودان و مصر را مطرح می‌کند"

اگر به شیوه عقب‌نشینی در برابر امپریالیسم بخواهیم بهانه‌ها را از دست او بگیریم در واقع باید به مسلمانان ضدامپریالیست شمال آفریقا توصیه کنیم دست از مبارزه بردارند، به خلق مصر بگوئیم در تحکیم پایه‌های رژیم آمریکایی مصر بکوشند از کشور برادر لیبی بخواهیم به خواست‌های امپریالیسم تمکین کند و حتی از مقاومت در برابر توطئه‌های آمریکا برای سرکوب انقلاب ایران خودداری کنیم.

پیشنهاد صلح‌آمیز دولت افغانستان

برای آنکه بهانه‌ها را خنثی‌کنیم، تنها راه، تشدید مبارزه علیه امپریالیسم و تحکیم و گسترش وحدت در صفوف نیروهای ضدامپریالیستی منطقه و جهان است. باید به امپریالیسم امکان ندهیم به

تحریکات خود در افغانستان ادامه دهد و به تشنج دامن زند. تنها با پایان دادن به تحریکات امپریالیسم، مردم افغانستان خواهند توانست در امنیت و آرامش کامل و در محیطی صلح‌آمیز به بازسازی کشور خویش و استفاده از همه امکانات در جهت رشد و تعالی خود بپردازند. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند و باید از طریق مذاکره و همکاری با دولت انقلابی افغانستان در پایان‌دادن به تحریکات امپریالیسم و تعاون با خلق محروم و ستم‌دیده افغان به سهم خود کوشا باشد. این واقعیتی است که مرزهای شمالی و شمال شرقی ایران در شرایط کنونی تنها مرزهای امن کشور ما هستند. نباید دست امپریالیسم را در بخشی از مرزهای خود باز بگذاریم تا از طریق دارو دسته‌های به اصطلاح مجاهد افغانی، علیه هر دو کشور انقلابی ایران و افغانستان توطئه نماید.

وجود تشکل‌های ضدانقلابی که به دست امپریالیسم آمریکا هر روز گسترده‌تر از پیش در میان به اصطلاح پناهندگان افغانی سازماندهی می‌شود، خطری جدی است که هدف آن سرنگونی دولت انقلابی افغانستان و به قدرت رساندن اسلام آمریکایی و رژیم آمریکایی در افغانستان است. از این‌روست که ارتجاع منطقه از مجاهدین افغانی حمایت می‌کند و از همین‌رو است که اقدامات ضدانقلابیون افغانستان انقلاب ایران را هم هدف قرار داده است. نمونه‌های افشاء شده این باندهای ضد-

انقلابی که در راه براندازی جمهوری اسلامی ایران حرکت کرده و می‌کنند، کم نیستند. جلوگیری هرچه سریع‌تر از ادامه فعالیت این باندها به کمک کشور دوست و همسایه ما نه تنها مستقیماً اقدامی در جهت دفاع از انقلاب ایران است، بلکه به تحکیم صلح و آرامش در افغانستان و خنثی‌کردن بهانه‌های امپریالیسم آمریکا برای حضور نظامی خود در منطقه نیز کمک می‌کند و به وحدت ایران و افغانستان برای مبارزه با دشمن مشترک یاری می‌رساند.



واقعیات به فراموشی سپرده می‌شود.

اما با کمال تعجب در طرح پیشنهادی ایران نه تنها نامی از دولت افغانستان برده نشده‌است، بلکه از پایان‌دادن به تحریکات آمریکا و چین و متحدان و ایادیشان نیز ذکری به میان نیامده است. هر نیروی ضدامپریالیستی که از واقعیت‌گریزان نباشد، به سادگی درک می‌کند که برای حل مسئله افغانستان اصل مقدم و اساسی، قطع دسیسه‌های امپریالیسم برای صدور ضدانقلاب به افغانستان است.

بدون تأمین این اصل، هر چیز دیگری یک خیال‌پردازی بیشتر نخواهد بود. در شرایطی که سلاح‌های آمریکایی و چینی از طریق کشورهای مصر و پاکستان و سایر وابستگان به امپریالیسم به خاک افغانستان سرازیر می‌شود، در حالی که مزدوران ضدانقلابی افغانی از انحصارات غربی جیره و مواجب می‌گیرند و با دلارهای نفتی حکام سعودی و سایر کشورهای مرتجع تغذیه می‌شوند و در زمانی که رادپوهای ضدانقلابی از واشنگتن و یکن به تحریکات آشکار خود ادامه می‌دهند چگونه می‌توان از ضرورت جلوگیری از این اقدامات سخن گفت و به تشریح ر حل پرداخت؟ راه حلی که در بهترین حالت و با پاک‌ترین نیت چیزی نیست جز آرزوهایی که بر زمینه واقعیت توطئه‌های جاری امپریالیسم آمریکا و متحدانش نقش بر آب می‌شود.

صدور انقلاب

بیان این آرزوها از جانب مقامات رسمی، آن هم به صورت طرحی که رسماً در سطح جهانی ارائه می‌شود نه تنها دخالت در امور داخلی یک کشور دیگر و مغایر با عرف بین‌المللی است، بلکه از نظر اصولی نیز نادرست است. در این طرح به غلط از "اقدام غیرقانونی شوروی" صحبت می‌شود، در حالی که پاسخ مثبت اتحاد شوروی به تقاضای رسمی دولت افغانستان برای جلوگیری از



تکالیف و تضمین‌های بین‌المللی

مبارزات کارگران در ایران

است طبقاتی و جهان‌شمول علیه همه اشکال بهره‌کشی از خلق‌ها از استثمار و استثمارگر گرفته تا نئوفاشیسم و نژادپرستی، علیه همه اشکال استبداد و خودکامی علیه جنگ و افزایش و خامت اوضاع بین‌المللی، علیه همه اشکال استثمار انسان از انسان و هرگونه ظلم و بی‌عدالتی اجتماعی، علیه تشدید و خامت شرایط زندگی و کار کارگران و تهاجم به حقوق و آزادی‌های سندیکایی این مبارزه نبردی است پیگیر در راه استقلال ملی، دموکراسی، صلح، برقراری نظم نوین اقتصادی بین‌المللی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و حقوق سندیکایی. بدیهی است که دستاوردهای این مبارزه جهان‌گستر و حقوق منبعت از آنها که متضمن مبرم‌ترین خواست‌های مشترک همه کارگران جهان بوده و همانگونه که گفتیم در اعلامیه و منشور حقوق سندیکایی نیز انعکاس یافته‌اند به‌سهم خود متعلق به کارگران سراسر جهان صرف‌نظر از تفاوت‌های ملی، نژادی، مذهبی، مسلکی و عقیدتی آنهاست. با یک نگاه همه‌جانبه به اصول مندرج در منشور اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی می‌توان با وضوح و صراحت بیشتری به عمق این واقعیت دست یافت. بندهند مواد این دو سند و تکالیف حقوقی که در آنها برشمرده شده‌اند، همه و همه متضمن دستاوردها و خواست‌هایی هستند که از یک سو طبقه کارگر کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری و کارگران همه کشورهای در حال رشد و زیر سلطه به خاطر کسب یا تثبیت و تحکیم آنها در حال

سندیکایی را می‌پذیرند و در عمل نیز بکار می‌بندند، بلکه روح و جوهر این دو سند را نیز تماما در حیات جامعه متبلور ساخته و حقوق سندیکایی کارگران را به جزء پیوسته‌ای از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک همه شهروندان بدل می‌کنند. در کشورهای سرمایه‌داری، انحصارات غارتگر امپریالیستی به اعتبار قدرت دولتی و سلطه جابرانه خود این تضمین‌ها را رعایت نکرده و دائما حقوق سندیکایی کارگران را مورد تجاوز قرار می‌دهند. لیکن در برخی موارد تحت فشار کارگران و سازمان‌های سندیکایی آنها و نیز در نتیجه مساعی پیگیرانه کانون‌های سندیکایی منطقه‌ای و بین‌المللی و مجامع جهانی نظیر سازمان بین‌المللی کار، دولت‌های این کشورها به موجدی از این تکالیف گردن نهاده و برخی از تضمین‌های یاد شده در منشور و اعلامیه را به اجرا درمی‌آورند. در ممالک از بندرسته که دولت‌های مترقی و مردمی زمام امور را به دست دارند، شرایط مناسبی مساعدی برای به رسمیت شناختن حقوق سندیکایی کارگران و انجام بی‌خدشه تکالیف و تضمین‌های ناشی از آن وجود دارد که در اکثر موارد نیز این امر صورت تحقق به خود گرفته است.

تکالیف و تضمین‌های بین‌المللی

معتبر برای تامین حقوق سندیکایی و تضمین دولت‌ها

بنابراین اصول مندرج در منشور حقوق سندیکایی (مصوب ۱۹۵۴) و اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی (مصوب ۱۹۷۸)، چه اصول متضمن حقوق سندیکایی کارگران و چه تعهدات دولت‌ها، دارای ارزش و اهمیت جهان‌شمول بوده و لذا می‌توانند و باید وثیقه مطمئنی برای تامین حقوق سندیکایی کارگران از یک سو و تثبیت و تضمین این حقوق از جانب دولت‌ها از سوی دیگر در هر یک از کشورهای صرف‌نظر از نظام‌های اقتصادی - اجتماعی گوناگون

و درجه رشداختگی آنها، فراهم آورند. از این گذشته در نتیجه مبارزات پیگیر و مساعی مشترک سازمان‌های سندیکایی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و پیش‌سازیش همه آنها فدراسیون سندیکایی جهانی روح و عصاره اساسترین خطوط اصول مندرج در منشور و اعلامیه جهانی، حقوق سندیکایی در یک رشته پیمان‌ها و مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی به‌ویژه مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، متبلور گشته است. از آن جمله‌اند مقاوله‌نامه شماره ۸۷ راجع به آزادی سندیکایی و حمایت از حقوق سندیکایی، شماره ۹۸ راجع به حق تشکل و مذاکره دسته‌جمعی، ۱۱۱ درباره تبعیض (در اشتغال و حرفه) مقاوله‌نامه ۱۲۵ راجع به نمایندگان زحمتکشان، این مقاوله‌نامه‌ها در مجموعه خود بخش مهم و موثری از حقوق سندیکایی کارگران را به رسمیت شناخته و متقابلا دولت‌ها را به تصویب قوانین ضمانتی و اجرای تضمین‌های ضروری در زمینه حقوق و آزادی‌های سندیکایی مکلف می‌سازند. این اسناد نیز به نوبه خود می‌توانند و باید ضامن بین‌المللی معتبری برای تامین حقوق سندیکایی و تثبیت این حقوق از جانب دولت‌ها باشند.

طبقه کارگر ایران و حقوق آزادی‌های سندیکایی

در کشور ما ایران، در تمام طول دوران حاکمیت استبدادسلطنتی وابسته به امپریالیسم (در فاصله سالهای ۳۲ تا ۵۷)، طبقه کارگر میهنمان از برخورداری خود کلیه حقوق سندیکایی خود یعنی همان حقوقی که محصول چندین دهه مبارزات سندیکایی پیگیر و درخشان کارگران کشورمان بوده و در عین حال در اسناد جنبش بین‌المللی سندیکایی (منشور و اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی) نیز انعکاس یافته بود، کاملا محروم بود. ارتجاع سیاه پهلوی با استفاده از همه ابزار سرکوب

بقیه در صفحه ۷

خلاصت جهان‌شمول حقوق سندیکایی

مبارزات کارگران در چهار گوشه کیتی از سرشتی واحد و مضمونی یگانه برخوردار است. این مبارزه، پیگیری

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خودادامه خواهند داد



بقیه از صفحه ۶

تعهداتی که دولت...

و تحقق خود و به‌ویژه با ایجاد و گسترش سندیکاهای زرد و دولتی و تحمیل آن به کارگران میهنان، مهمترین حق سندیکایی کارگران (مبنی بر ایجاد داوطلبانه و آزادانه سازمان‌های سندیکایی توسط خود آنان) را پایمال نموده و از این طریق با تمام قوای خود مانع تأمین وحدت سندیکایی بلیقه کارگر میهنان گردید. رژیم آمریکایی شاه در سال ۱۳۲۸ با ایجاد تغییراتی در قانون کار مصوب سال ۱۳۲۶ و با تدوین و تصویب آئین‌نامه‌های ارتجاعی که موافق روح قوانین دولتی‌های امپریالیستی نظیر قانون "تافت - هارتلی" آمریکا بود، تضمین‌های قانونی ضروری در زمینه حقوق و آزادی‌های سندیکایی کارگران میهنان را از بین برد و در عوض زمینه‌های "قانونی" ایجاد و توسعه پرشتاب سندیکاهای دولتی را فراهم نمود. از آن پس سندیکاهای دولتی همچون قارچ در همه واحدهای تولیدی و خدماتی میهنان سبز شدند. خود وجود سندیکاهای زرد که بیش از هر چیز آلت دست ساواک و کارگزاران رژیم در منحرف کردن مبارزات کارگران از مسیر سالم و وسیله‌های جهت ترویج و اشاعه روحیه آشتی طبقاتی در میان کارگران بودند، عینی‌ترین تجسم نقش حقوق سندیکایی طبقه کارگر در سالهای قبل از انقلاب بهمن شمار می‌آمدند. انقلاب ضد استبدادی ندامپریالیستی و مردمی میهن ما، با درهم کوبیدن رتجاع سلطنتی کارگزار امپریالیسم، متضمن استواردهای سترگی در زمینه حقوق و آزادی‌های سندیکایی رای طبقه کارگر میهنان بود. با سرنگونی رژیم شاه مهمترین و بزرگترین سدی که مانع تأمین حقوق سندیکایی کارگران کشورمان بود از پیش پا برداشته شد. انقلاب و در بطن آن، حرکت توفنده و عمل مستقیم خود کارگران،

سندیکاهای دولتی و در رأس همه "سازمان کارگران" رژیم را درهم کوبید، شرایط زایش و گسترش سازمان‌های سندیکایی انقلابی نوینی به نام شوراهای کارگری را فراهم آورد. و بدین ترتیب حقوق و آزادی‌های دیمکراتیک و سندیکایی و به‌ویژه حق تشکل آزادانه و داوطلبانه در سازمان‌های سندیکایی را برای طبقه کارگر به ارمغان آورد. کارگران میهن ما با حضور سنگین و شرکت گسترده و فعالانه‌شان در تدارک و تکوین نهایی انقلاب، خود عمده‌ترین و مهم‌ترین نقش را در پیروزی انقلاب و بطریق اولی کسب دستاوردهای آن در زمینه حقوق و آزادی‌های سندیکایی، ایفاء نمودند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - این سند پیروزی نخستین مرحله انقلاب - در اصول متعددی و از جمله در اصول ۲۶، ۲۷، ۲۹ خود، این دستاوردها را منعکس ساخته، از این طریق کلی‌ترین وجه حقوق و آزادی‌های سندیکایی کارگران میهنان را متبلور نموده و بدین ترتیب وثیقه مطمئن برای تضمین و تثبیت قانونی این حقوق و دستاوردها فراهم نموده است. بنابراین سازمان‌های سندیکایی (سندیکاهای و شوراهای کارگری کنونی)، تجسم مادی حقوق و آزادی‌های سندیکایی و شالوده عینی تأمین این حقوق بوده و از سوی دیگر اصول ۲۶، ۲۷، ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز انعکاس قانونی کلی‌ترین وجه این حقوق و ضامن تأمین و تثبیت قانونی آنها بشمار می‌آیند.

دولت جمهوری اسلامی و تضمین حقوق و آزادی‌های سندیکایی

در این موضوع که در دوران بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، تاکنون قانون اساسی جمهوری

اسلامی مهمترین وثیقه تضمین قانونی حقوق و آزادی‌های سندیکایی کارگران میهنان بوده است، جای هیچگونه شک و شبهه‌ای نیست لیکن باید تصریح نمود که (همانگونه که اعلامیه جهانی حقوق و آزادی‌های سندیکایی نیز در بسیاری از اصول خود تأکید نموده است)، دولت جمهوری اسلامی ایران به تنهایی همانند هر دولت دیگری بلکه در عین حال به مناسبت دولتی که از سرشتی مردمی و عدالتخواهانه برخوردار است باید با بهره‌میت شناختن کامل این حقوق و آزادی‌ها در قوانین عادی خود (قانون کار و آئین‌نامه‌های بعدی) و تهیه و تصویب قوانین حمایتی ضروری، تضمین‌های لازم جهت تثبیت کامل حقوق سندیکایی کارگران میهنان را که در کلی‌ترین خطوط خود همان اصول مندرج در منشور اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی است، تدارک دیده و به اجرا درآورد. در واقع از یک سو منشور اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی به اعتبار خصلت جهان‌شمول خود و به دلیل آنکه ترجمان خواست‌های کارگران سراسر جهان در زمینه حقوق و آزادی‌های سندیکایی هستند می‌توانند و باید به عنوان بهترین و گویاترین سند متضمن حقوق سندیکایی کارگران میهنان بشمار آیند و از سوی دیگر این دو سند تکالیف و وظایف دولت‌ها را نیز در زمینه تضمین و حمایت از حقوق سندیکایی کارگران به روشنی بیان نموده‌اند و لذا از این نظر نیز می‌توانند و باید رهنمون عمل دولت جمهوری اسلامی در زمینه پذیرش و اجرای این تعهدات و تضمین‌ها محسوب گردند. از پس از پیروزی انقلاب تاکنون یک لایحه توسط شورای انقلاب و دو آئین‌نامه توسط شورای عالی کار در مورد مضمون وظایف و حدود اختیارات "شوراهای" (که مالا متبلور عینی حقوق سندیکایی طبقه کارگر میهنان هستند)، تدوین و تصویب شده‌اند. اگرچه این قوانین در مجموعه خود، بخشی از حقوق سندیکایی

کارگران کشورمان را تضمین می‌نمایند. و به‌ویژه اگرچه سر تحول این قوانین (از لایحه مصوب شورای انقلاب تا آئین‌نامه مصوب شورای عالی کار)، خود بیانگر اتکا هرچه بیشتر دولت جمهوری اسلامی به واقعیت‌های موجود و برخورد بتدریج واقع‌بینانه‌ترش به مضمون سندیکایی عمل موجود است، لیکن باید تصریح نمود که این قوانین و به‌ویژه دو آئین‌نامه مصوب شورای عالی کار که منای برخوردار عملی دولت جمهوری اسلامی با حقوق و آزادی‌های سندیکایی محسوب می‌شوند، حاوی کاستی‌ها، کمبودها، نواقص و نارسائی‌های جدی بوده و هستند. اگر از حیث قوانین و مقررات خارج تویم و توجه خود را به موارد عملی و برخورد‌های جاری معطوف سازیم به نمونه‌های متعددی از پایمال کردن حقوق سندیکایی کارگران از طرف دولت و یا سکوت در مقابل نقض این حقوق از سوی کارفرمایان برمی‌خوریم که تازه همه این موارد نیز در کلیت خود، به عدم وجود تضمین‌های حمایتی ضروری و کافی در قوانین و مقررات دولت جمهوری اسلامی ایران بازمی‌گردد. در حال حاضر بر اساس ماده ۱۴ لایحه شانزدهم انقلاب، حق داشتن تشکل و سازمان سندیکایی (شورا) از بحث مهمی از کارگران متمرکز میهن ما در واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی نظیر صنعت نفت و فولاد و... سلب شده است، مطابق ماده ۱۸ آئین‌نامه شوراهای مصوب شورای عالی کار (در واقع به علت نارسایی و ابهام موجود در آن) حق تشکل آزادانه در سازمان‌های سندیکایی (شوراهای) از کارگران ساختمانی نیز گرفته شده است. در همین آئین‌نامه بخش مهم و موثری از حقوق سندیکایی مجموعه کارگران میهنان یا نقض شده یا نادیده گرفته شده است. بر اثر برداشت‌های مخدوش مسئولین امور از سازمان‌های سندیکایی که با نام سندیکا فعالیت نموده و

از حقوق و منافع کارگران دفاع می‌نمایند، بارها و بارها این سازمان‌ها یا آماج تهاجم واقع شده و یا در معرض خطر انحلال از سوی دولت قرار گرفته‌اند. بطور کلی حق تشکل آزادانه و دیمکراتیک کارگران در این سازمان‌ها (سندیکا و شوراهای کارگری) به دفعات جد از سوی دولت و چه از سوی کارفرمایان نقض شده است چه از سوی مأمورین دولت (وزارت کار) و چه از سوی کارفرمایان طاغوتی و لیبرال. بکرات دخالت‌های سبجا و اعمال نفوذهای مخرب در جریان انتخاب نمایندگان سازمان‌های سندیکایی (سندیکاها و شوراهای کنونی) صورت گرفته‌است و از این طریق جریان انتخابات را از مسیر سالم آن منحرف نموده و تصحیر صحیح و طبیعی سازمان سندیکایی را دچار اختلال کرده‌اند و الخ... هدف ما در اینجا ذکر تمام موارد نقض حقوق و آزادی‌های سندیکایی نیست. ما در آینده نزدیک به بررسی موسکافانه و دقیق و گسترده این موارد خواهیم پرداخت. در اینجا تنها به تصریح این موضوع اکتفا می‌کنیم که دولت جمهوری اسلامی ایران چه بر اساس اصول مندرج در منشور اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی و بخصوص اصول مربوط به تضمین قانونی این حقوق از سوی دولت‌ها، چه بر پایه اصول ۲۶، ۲۷، ۲۸ قانون اساسی که کلی‌ترین وجه حقوق سندیکایی کارگران میهنان را در خود منظر نموده‌اند، چه به اعتبار سرشت مردمی و عدالتخواهانه خود و چه به مقتضای نیازهای حکم و گسرس انقلاب که لازم آن پاسخ به حوائج مطفی و برحق کارگران از جمله حوائج مربوط به حقوق، و آزادی‌های سندیکایی است، باید با تصویب قوانین حمایتی ضروری، تضمین‌های لازم جهت تأمین و تثبیت حقوق و آزادی‌های سندیکایی کارگران میهنان را فراهم آورده و از این طریق نقش شایسته خود را در کمک به تأمین وحدت سندیکایی کارگران میهنان ایفاء نماید

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیش‌ساز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

ساده لوحانه

برای بزرگ مالکان کلاه شرعی ندوزید

"راه جهنم نیز با نیت حسنه مفروش است"

باتصویب لایحه اصلاحات ارضی
پیشنهادی وزیر کشاورزی در
هیئت دولت و با طرح پیشنهادی
۱۶ نماینده مجلس با عنوان
"رسیدگی به مالکیت
زمین های زراعی و احیاء و
واگذاری اراضی در جمهوری
اسلامی ایران" و ارائه آنها
به مجلس فصل جدیدی در
مبارزه علیه بزرگ مالکی باز
شد

از فروردین سال ۱۳۵۹ که
لایحه "واگذاری و احیاء
زمین" توسط آیت الله
منتظری، آیت الله مشکینی
و آیت الله شهید دکتر
بهشتی تنظیم و در شورای
انقلاب به تصویب رسید،
چشم اندازهای امیدبخشی
برای انجام تحولات بنیادین
در روستاهای کشور به نفع
میلیون ها دهقان زحمتکش
گشوده شد.

با پیدایش این چشم انداز،
بزرگ مالکان، لبرالهای
سازشکار، "وعاظ السلاطین"
و روحانیون دشمن خط امام
تلاش گسترده تازه ای را در
دفاع از بزرگ مالکی و به
منظور جلوگیری از هرگونه
اقدامی به سود محرومان
روستا آغاز کردند و سرانجام
به کمک بخشی از روحانیون
و عناصر منتسب به خط امام
که به جهت گیری مردمی
خط امام اعتقادی ندارند
و با تفاسیر مستکبرپسند از
اسلام یا حربه "شرع مقدس"
از بزرگ مالکی دفاع می کنند
موفق شدند از پیاده شدن
کامل لایحه "واگذاری و احیاء
زمین" جلوگیری و اجرای
اساسی ترین بندهای آن را
بند "ج" و "د" لایحه را
به بوته تعویق اندازند.

تنگناهای ناشی از جنگ
تحملی صدامی - آمریکایی
و حمایت همه جانبه بنی صدر
از بزرگ مالکان، کارشناسی
و مخالفت های او در مقام
ریاست جمهوری با اعمال
نهادهای انقلابی از جمله
شرایطی بود که تعلیق
زیانبار بند "ج" و "د"
را ظاهراً توجیه می نمود و برای
مصلحت اندیشی های مخرب
راه باز می کرد.
روند عمومی انقلاب و

تجربه ۳۲ ماه گذشته، اکنون
برای نیروهای صدیق و
واقع بین خط امام کسه
همچنان برای پیشرفت
انقلاب می رزمند این نکته
را اثبات کرده است که تنها
با انجام تحولات بنیادین که
باید اساس ظلم سالیان
متمادی بزرگ مالکان را از
زندگی توده های میلیونی
دهقانان بی زمین و کم زمین
ریشه کن سازد باید نفوذ
اقتصادی و سیاسی یکی از
شناخته شده ترین دشمنان
انقلاب، بزرگ مالکان را از
ریشه برانداخت. در راه
دستیابی به یک اقتصاد
مستقل و خودکفا حرکت
کرد و در راه تأمین عدالت
اجتماعی گام هایی به پیش
برداشت.

طرحی که توسط ۱۶
نماینده مجلس از جمله آقای
ولایتی و توکلی اخیراً
به کمیسیون کشاورزی مجلس
تقدیم شده است، به جهت
نتایج انقلاب شکنانه تصویب
چنین طرح هایی جا دارد که
مفصلاً مورد نقد و بررسی
قرار گیرد ما در این مختصر
به نقد اساسی ترین جنبه های
این طرح می پردازیم. و از
نقد جزئیات آن درمی گذریم

طرح پیشنهادی ۱۶
نماینده مجلس بر ۴ بند الف
ب و ج و د، استوار است
در این طرح که پر از پیچ و
تابها، گذرگاهها و
دالان های شرعی است، در
مجموع بزرگ مالکی مشروع و
قابل احترام است و این
از نیت خیرخواهانه ای است
که در قیود شرعی طرح
مشهور است.
تنظیم کنندگان طرح با اینکه
در تأکیدات شرعی خود
نوعی سمت گیری به سود
محرومان روستا دارند، به
دلیل تناقضی که طرح حامل
آن است در نهایت مشروعیت
بزرگ مالکی را
برای "زالوافتان" روستا
بشارت می دهند.
بند الف : طرح
پیشنهادی نمایندگان متوجه
"احیاء اراضی موات و مراتع
خارج از حریم روستاها" است

وزنی که این بند در مجموع
طرح پیشنهادی نمایندگان
دارد، نشانه توهمی است که
تنظیم کنندگان طرح در زمینه
بازسازی اقتصاد کشاورزی
دارند. این بند به گونه ای در
مجموع طرح خودنمایی می کند
که گویا احیاء اراضی موات به
تنهایی یکی از راه حل های
اساسی مسأله ارضی در ایران و
تجدید سازمان اقتصاد
کشاورزی است

ما بارها تذکر داده ایم که
به دلیل عدم کفایت
زمین های قابل بهره برداری
برای زحمتکشان بی زمین و کم
زمین احیاء موات و مراتع
خارج از حریم روستاها یکی
از موارد ضروری است که در
هر برنامه ارضی می باید مورد
توجه قرار گیرد. اما همواره
یادآوری کرده ایم که احیاء
اینگونه اراضی در بیشتر
منطقه های کشور با صرف
هزینه های سنگین امکان پذیر
است که اساساً از توان و بنیه
اقتصادی دهقانان کم زمین و
بی زمین خارج است و می باید
تنها با برنامه ریزی های
دولتی به سامان برسد. طرح
پیشنهادی ۱۶ نماینده مجلس
به این واقعیت بی توجه است
بند ب : این طرح که
متوجه "اراضی آباد شده ای که
بطور نامشروع توسط افراد و یا
شرکت ها تصرف شده بود و
دادگاه های اسلامی به
استرداد آن حکم داده اند"
می باشد عموماً در اختیار
دولت و نهادهایی نظیر
بنیاد مستضعفین و جهاد
سازندگی قرار دارد و شامل
اراضی کشت و صنعت ها
باغات و مزارع مکانیزه وسیع
است.

این مسلم است که تقسیم
واحدهای مکانیزه بزرگ کشت
و صنعت ها که تولید و
بهره برداری از آنها مستلزم
مدیریت و تکنولوژی پیشرفته
است به هیچ وجه صلاح نیست
هر طرحی که بخواهد اینگونه
واحدها را تقسیم و تفرقه
نماید، در حقیقت بزرگترین
آسیب را به اقتصاد کشاورزی
و به استقلال اقتصادی کشور
وارد می آورد. این واحدها
باید در اختیار دولت قرار

گیرد و به صورت دولتی
برنامه ریزی و اداره شود.
علاوه بر این باید توجه
داشت که به استثنای
واحدهای مکانیزه بقیه اراضی
شمول بند (ب) بسیار
ناچیز بوده و درخور محاسبه
نمی باشد. این قسمت طرح
نمی تواند دردی از دردهای
دهقانان بی زمین و کم زمین
را درمان کند.

در بند ج طرح پیشنهادی
آمده است :

" برای زمین های بایر
نیز از سمبرا عرف
محل نسبت به نحوه
تملک رسیدگی به عمل
آمده و در صورت
نامشروع بودن نحوه
تملک، خلغید شده و
زمین در اختیار هیئت
جهت واگذاری ...
قرار می گیرد و در
صورت اثبات مالکیت
و در موارد کمتر از
نصاب به صاحبش
جهت احیاء مجدد و
یسا مزارعه یا اجاره
به اشخاص حقیقی یا
حقوقی ای که هیئت ها
تعیین می نمایند مهلت
داده می شود. پس از
انقضای مدت و عدم
اقدام مسأله هیئت ها
راساً اقدام به اجاره
زمین به اشخاص
ذیصلاح نموده و
اجاره بها را به مالک
برمی گردانند"

بند "د" : طرح
پیشنهادی که در هر برنامه
ارضی مهمترین بخش برنامه
را تشکیل می دهد، درباره
زمین های دایر چنین می گوید

" درباره بند "د"
اگر زمین بیش از سه
برابر عرف محل باشد
نسبت به نحوه تملک
رسیدگی به عمل می آید
در صورت نامشروع
بودن نحوه تملک
خلغید شده و زمین به
مالک یا مالکین شرعی
مسترد می گردد و اگر
مالک مشخص نداشته
باشد در اختیار هیات

قرار می گیرد تا با
رعایت ضوابط ساده
۹ واگذار نماید ...
در صورتی که نحوه
تملک زمین های بند ج
و د صحیح بوده ولی
مالک، وجوهات شرعیه
پدهکار باشد اگر زمین
را با پولی تهیه کرده
که وجوهات آن
پرداخت نشده از عین
زمین و در غیر
این صورت بابت بدهی
(شرعی قانونی مظالم)
با اختیار مالک از مال
او یا عین زمین گرفته
می شود

این بخش از طرح همه
نارسایی ها و تناقضات طرح
۱۶ نماینده را آشکار می سازد
آنچه که طرح پیشنهادی ۱۶
نماینده می خواهد، تثبیت
قانونی وضعیت تعلیق
بندهای "ج" و "د"
لایحه واگذاری و احیاء زمین
مصوبه فروردین ۵۹ شورای
انقلاب است. این
نمایندگان بهتر بود با
صراحت و با صداقت اعلام
می کردند که لایحه ای را که
توسط آیت الله منتظری،
مشکینی و بهشتی تنظیم شده
هفتاد بسیاری از "وعاظ -
السلاطین و روحانیون
دشمن خط امام واجد شرایط
"شرعی" نمی شناسند. طرح
پیشنهادی ۱۶ نماینده آشکاراً
علیه بندهای "ج" و "د"
لایحه مورد نظر است که
بارها توسط آیت الله منتظری
مشکینی و شهید بهشتی
انطباق کامل آن با موازین
"شرعی" مورد تأکید قرار
گرفته و تا آنجا که اطلاع
داریم مورد تأیید امام
خمینی نیز می باشد.

بند "ج" و "د" طرح
پیشنهادی ۱۶ نماینده با
قید رسیدگی به نحوه تملک
زمین هایی که بیش از ۳ برابر
عرف محل است، با صراحت
راه را برای شروع شناختن
بزرگ مالکی هموار می نماید و
از تعیین حدود مالکیت بر
اراضی شانه خالی می کند.
قیود شرعی که در این
قسمت از طرح آورده شده
بقیه در صفحه ۱۳

به مشکلات دامداران خراسان رسیدگی کنید

تأخیر در اجرای بند ج و د به نفع دشمنان انقلاب

روستایی و عشایری همچنان با کوهی از مشکلات مواجهند مشکل اساسی کمبود خوراک دام که در همه جای ایران وجود دارد در این استان نیز قبل از همه دامداران کوچک روستایی و عشایر زحمتکش را در تنگنا قرار می‌دهد. سال پیش که دولت نتوانست جو مورد نیاز را وارد کرده و در اختیار آنان قرار دهد، کمبود خوراک دام اعتراضات شدیدی را در میان این دامداران بخصوص در نواحی سرخس و کلات برانگیخت. نداشتن پناهگاه مناسب برای گله و عدم تضمین و بیمه دام در مقابل سوانح که ممکن است بکلی هستی یک دامدار کوچک روستایی یا عشایری را به مخاطره افکند نیز از دیگر مسائل دامداران این منطقه است.

مصلح انقلاب ایجاب می‌کند که برای تامین گوشت و لبنیات کشور که در حال حاضر یکی از مشکلات مردم است و دولت نیز هرساله میلیون‌ها تومان صرف ورود آنها از خارج می‌کند، مقامات مسئول به چاره‌جویی مشکلات دامداران زحمتکش روستایی و عشایری بپردازند و با ایجاد تعاونی‌های واقعی متعلق به دامداران زحمتکش برنامه‌ریزی برای توزیع عادلانه خوراک دام دولتی بیمه دام‌ها در مقابل سوانح ارائه خدمات دامپزشکی و بهداشت دام، تامین اعتبار و واگذاری وام برای توسعه دامداری تعاونی و ایجاد پناهگاه‌های مناسب و همچنین ارائه خدمات آموزشی و فنی به دامداران زحمتکش روستایی و عشایری که خود مستقیماً به تولید محصولات دامی می‌پردازند، در جهت تامین هرچه بیشتر احتیاجات دامداران اقدام کند. باشد تا با پیشبرد سیاست‌های انقلابی به توسعه دامداری و رفاه زحمتکشان استان خراسان افزوده شود

تولید را بالا برده و ضدانقلاب بسرکردگی آمریکای جنایتکار را در این عرصه شکست دهیم. همچنین روستاهای بایان‌آباد، بکجفتی ایلخانی‌آباد، چقاجانلی چقن، تخد، شیرین عالیگردان علیاب محمودآباد از کرمانشاهان نیز با ارسال طومارهایی خواستار اجرای بند ج و د فانون اصلاحات ارضی شدند آنها در این طومار چنین بیان داشته‌اند: "هم‌اکنون آماده‌ایم که برای هرگونه جانفشانی و پشتیبانی از دولت و همچنین رهنمودهای امام خمینی برخوردار گفای خواهان اجرای بند ج و د هستیم و مبارزه با امپریالیسم و نوکرانش را همیشه ادامه می‌دهیم" اهالی و اعضای شورای اسلامی روستای هشی از بخش خورشرستم از توابع شهرستان خلخال نیز با ارسال طوماری به آقای محترم مجلس شورای اسلامی خواهان اجرای اصلاحات ارضی و ملی شدن تجارت خارجی شدند.

درست‌تر است استان خراسان در اطراف روستاها و بین دره‌های سرسبز کوه‌بینالود چوپانان زحمتکش خراسان که گله‌های بزرگ گوسفندان را هدایت می‌کنند، دیده می‌شوند. وجود مراتع وسیع بخصوص در مناطق کوهستانی استان خراسان را به یکی از مراکز مهم تولید محصولات دامی ایران تبدیل کرده و صنایعی چون قالی‌بافی و چرم‌سازی و بخصوص پوستین‌دوزی را رونقی بخشیده است. در اینجا نیز چون بسیاری نقاط ایران چوپانان زحمتکش روستایی و عشایری بار اصلی پرورش دام را به گردن دارند ولیکن در اینجا نیز شمره کار آنان اغلب نصیب دیگران می‌شود. در استان خراسان در کنار دامداران زحمتکش روستایی و عشایری گله‌داران بزرگ و صاحبان پرواربندی‌ها قرار گرفته‌اند که با استثمار شدید چوپانان و کارگران بهره‌برداری می‌کنند هنوز پس از گذشت نزدیک به سه سال از انقلاب، گله‌داران بزرگ به شدیدترین صورت به استثمار چوپانان خراسانی مشغولند در بسیاری از مناطق استان خراسان بخصوص در سرخس در حالی که عده معدودی گله‌دار بزرگ هر یک صاحب هزاران رأس میش و بز هستند عده بیشماری از روستائیان امکان پرورش دام ندارند و طبعاً امکانات طبیعی مانند مراتع و چشمه‌سارها عمدتاً مورد استفاده دام این گله‌داران قرار می‌گیرد و همچنان زحمتکشان روستایی مجبورند نیروی کار خود را به قیمتی بسیار ارزان در اختیار این گله‌داران قرار دهند. هنوز پس از گذشت نزدیک به سه سال از انقلاب چوپانان زحمتکش روستایی و عشایری مورد توجه مسئولین استان قرار نگرفته‌اند و هنوز این مسئولین درجهت

نیازهای پاسخگویی به تولیدی و رفاهی آنان قدم مهمی برنداشته‌اند و همچنان مشکلات متعدد این زحمتکشان لاینحل مانده است. هنوز پس از گذشت نزدیک به سه سال از انقلاب واسطه‌های خرید و فروش گوشت یا به قولی چوپانان در تعیین قیمت گوشت نقش اصلی را به عهده دارند. این دلالتان که دارای تشکلی به نام "شرکت تعاونی تهیه و توزیع گوشت مشهد و حومه" می‌باشند، مورد حمایت برخی از مقامات شهرداری مشهد و استانداری خراسان قرار دارند. در مقابل این گروه اخیر شرکت دیگری به نام "شرکت تعاونی تولید گوشت گوسفندی مشهد و حومه" ایجاد شده که در رأس آن صاحبان پرواربندی‌های بزرگ نظیر حاجی علی‌اکبر بزرگر و حاجی زابلی مقدم قرار گرفته‌اند. این اشخاص در اواخر سال پیش با سوءاستفاده از نام تعاونی که به درستی پس از انقلاب مطرح شده به منظور قلب ماهیت تعاونی، اعلامیه‌هایی در روستاهای اطراف مشهد پخش کرده و از دامداران روستایی برای تشکیل شرکت تعاونی دعوت نموده و با نام‌نویسی بیش از هزار نفر از آنان به اصطلاح تعاونی تولید تشکیل دادند اما هدف آنان از طرفی اختصاص دادن هرچه بیشتر کمک‌های دولتی بخصوص خوراک دام به پرواربندی‌های خودشان و از طرفی رقابت با شرکت تعاونی واسطه‌ها در به انحصار درآوردن عرضه گوشت مشهد است. این شرکت تعاونی هم مورد حمایت برخی از مقامات استان از جمله مدیرکل بازرگانی می‌باشد. در کنار چنین رقابت‌ها و حمایت‌های ناسالمی، دامداران و چوپانان زحمتکش



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

بمناسبت ۲۶ آبان سالگرد پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان

رهنمودهای امام خمینی را در مورد کردستان اجرا کنید

"اسلام بزرگ تمام تبعیضها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاص قرار نداده و تقوی و تعهد به اسلام تنها انسانهاست و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی ایران حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است و منجمله برادران کردگه دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می باشد و مقررات و قوانین مربوط به آن بزرودی انشاءالله تعالی تقدیم می شود"

"خواهران و برادران هم میهن من سراسر کشور، در دست خود را پیش شما دراز می کنم و از شاهیه خاطر خدا و اسلام و کشور عاجزانسه می خواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورمان بکار برید و اسلحه های سرد و گرم یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری به روی یکدیگر منحرف و به سوی دشمنهای انسانیت که در راس آن آمریکا است نشانه روید"

(از پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان ۲۶ آبان ماه ۱۳۵۸)

دو سال پیش هنگامی که فضای کردستان آکنده از کینه توزی و خصومت بود و از هر طرف خون زنان و

مردان ما در سنگرهای که دشمن غدار خلقها، امپریالیسم آمریکا کرده است بر زمین می ریخت پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان بازقهای از امید در دل خلق کرد و تمام نیروهای مدافع انقلاب ایجاد کرد. امید بدینکه با اجرای رهنمودهای امام آتش هستی براندازی که دشمنان انقلاب در کردستان برافروخته اند خاموشی گیرد و این خلق قهرمان پس از سالهای طولانی رنج و محرومیت حقوق از دست رفته خود رایز باید.

پیام امام شامل تمام آن چیزی است که با رهنمون قرار دادن آن نه تنها حق خودمختاری فرهنگی، اداری خلق کرد تأمین خواهد شد، بلکه با تأمین وحدت و یگانگی در صفوف مردم، انقلاب را در راستای واقعی آن که همانا مبارزه با دشمن اصلی مردم ایران است به پیروزی های باز هم بیشتری دست خواهد یافت.

همزمان با صدور پیام امام خمینی درباره کردستان موج شادی سراسر شهرها و روستاهای منطقه را فراگرفت و آنها که تا دیروز در سنگر دشمنی، تفنگها را به سوی یکدیگر نشانه می رفتند به دیدار یکدیگر شتافتند و برادرانه همدیگر را در آغوش کشیدند. در آن روز سرباز و پاسدار و پیشمرگ خود را همسنگر یافتند و دیدند آنچه علیه همدیگر گفته و بکار بسته اند، جز ترندهای خائنانه دشمن نبوده است. آنها که هنوز زخم سالها حکومت ستم شاهی را بر جان دارند، آنها که در شهر و روستا از میدان شهدا و سرچشمه تا روستاهای درهم کوفته و گوههای سرفراز کردستان، در فریاد خون گرفته شهیدان همواره یک

کلام را تکرار کرده اند و اکنون که بسیاری از آرمانهای دیرین در حال تحقق یافتن است نمی توانند در مقابل یکدیگر سنگر بسازند! آن روز در شعارهای مردم کردستان بیزاری و نفرت از جنگی که ناخواسته توسط دشمنان انقلاب بر آنها تحمیل گشته ظنین افکند. شعار معروف "کرد و عجم فرقی نیه رهبر ما خمینی" بار دیگر توسط مردم تکرار شد و این صادقانه ترین پاسخ آنها به پیام پر عظمت امام بود. اما خیل عظیمی زود عوامل شناخته شده ای از هر دو سو بکار افتادند تا مانع تحقق پیام امام شده و امید برافروخته در وجود مردم کردستان و سراسر ایران را مبدل به یاس نمایند. تلاش های خائنانه دشمن پیروز شد و اکنون که دو سال از صدور پیام امام می گذرد، کردستان همچنان در آتش کینه های که دشمنان برافروختند می سوزد و از رهگذر آن مردم محروم آن دیار محروم تر از پیش برجای مانده اند هر روز خون های بیشتری بر زمین می ریزد و جبهه متحد ضد انقلاب، کردستان را به مثابه نیرومندترین تکیه گاه در جنگال خونین خود می فشارد دومین سالگرد پیام تاریخی امام درباره کردستان فرصتی است تا با بررسی مجدد عواملی که با سنگ اندازی بر سر راه حل عادلانه مسئله کردستان مانع تأمین حقوق حقه خلق کرد و نهایتاً مانع سرکوب ضدانقلاب شدند، از وقایع آموزنده دوساله کردستان درس گرفت دشمنان دوست نما را شناخت. با تنگنگری نسبت به مسائل پیچیده جامعه که چون موربان انقلاب را میان تهی می سازد، مبارزه کرد و از تکرار اشتباهات و ندانم کاری ها جلوگیری نمود تا نیروهای مومن به انقلاب

در پرتو آن موفق شوند با درکی روشن از مشکلات به تعهد خود در قبال رهنمودهای امام خمینی که همانا تحکیم وحدت نوده ها و تأمین حقوق حقه خلق کرد است، عمل نمایند

چه عواملی مانع استقرار صلح شدند؟

الف - گروه های منحرف و ضد انقلابی:

اگر پیام امام برای مردم ستم کشیده کردستان و دیگر مردم ایران بشارت دهنده صلح و برادری و پیمان اتحاد علیه دشمن مشترک بود، گروه های چپ رو و ضد انقلابی که در آن زمان عمدتاً تحت عنوان هیئت نمایندگی خلق کرد متشکل شده بودند پیام امام را به گونه ای دیگر تعبیر کردند آنها به مردم می گفتند که پیام امام نتیجه شکست دولت مرکزی در جنگ کردستان است. گفته می شد که دولت جدید نیز سیاست نابود کردن خلق کرد را دنبال می کند و هیچگاه حق خودمختاری خلق کرد را به رسمیت نمی شناسد! امواج این تبلیغات زهر آکین که مستقیماً از جانب باند قاسملو در حزب دمکرات و گروهک مائوئیستی کومه له بدان دامن زده می شد، ما را نیز در برمی گرفت هر چند به زودی از دست آن رهائی یافتیم. مجموعه این نیروها در آن مقطع نقش برجسته ای در تخریب فضای تفاهم بازی کردند. سپس باند قاسملو و گروهک مائوئیستی کومه له طرح ۲۶ ماده ای خودمختاری کردستان را که جز سنگ اندازی بر سر راه اجرای رهنمودهای امام و طرح خودگردانی ارائه شده از جانب نمایندگان دولت نبود، ارائه و با عوام فریبی اعلام کردند که

طرح خودگردانی هدفی جز سرگردانی و فریب مردم را دنبال نمی کند. آنها با طرح شعارهای ناسیونالیستی افراطی در سراسر کردستان مردم را علیه طرح خودگردانی و نمایندگان دولت بسیج کرده و مذاکرات صلح را با شکست کامل مواجه ساختند. و بدین ترتیب به جای محیط تفاهم و آشتی، بار دیگر دود باروت و شلیک سلاحها سراسر کردستان را فراگرفت و ابرهای تیره کینه و نفاق بر زندگی میلیون ها هم میهن ستم دیده ما سایه افکندند. خون های بیشماری بناحق ریخته شد، منازل بسیاری بر سر زنان و کودکان ویران شد و هزاران نفر در منتهای فقر و درماندگی به دنبال لقمه ای نان از کاشانه خود آواره شدند و اکنون پس از گذشت دو سال هنوز هم هیچ چشم انداز امیدبخشی برای پایان بخشیدن بدین رنج نامه از هیچ سو پدیدار نیست.

در توضیح عوامل بازدارنده صلح در کردستان در مقطع پیام امام، نباید نقش منفی و مخرب لیبرالها این دشمن خط مردمی امام خمینی را به فراموشی سپرد. پس از آن حماسه ای که توده های محروم و مستضعف در جریان انقلاب ساختند وجود دولت بازرگان و نفوذ وسیع لیبرالها در حکومت، نقش چشمگیری در ایجاد تفرقه و مخدوش ساختن چهره انقلاب و رهبری سازش ناپذیر آن ایفاء نمود. عملکرد مخرب و ضد انقلابی لیبرالها سبب شد تا آن بخش از نیروهای چپ رو که به واسطه جوانی و کم تجربه گی از درک ماهیت مردمی انقلاب و رهبری آن ناتوان بودند، برای دست یافتن به مشکلات بیشتری صحیح با مشکلات بیشتری مواجه شده و ضدانقلاب از سرگردانی چنین جریان هایی

بقیه در صفحه ۱۱

بگوئیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

بقیه از صفحه ۱۰

رهنمودهای...

به سود سیاست براندازی خود شو استفاده نماید. نقش تفرقه افکنانه لیبرالها در هیئت ویژه کردستان و تاثیر نامطلوب آن بر رونق مذاکرات صلح نمونه گویایی از این سیاست است. آنچه لیبرالها در پی آن بودند، تحکیم موقعیت خود و سبلی خوردگان از انقلاب در حکومت بود نه اجرای رهنمودهای امام خمینی

ب - چگونه رهنمودهای امام درباره کردستان توسط عناصر تنگنظر به فراموشی سپرده شد!

شکست مذاکرات صلح کردستان و ادامه جنگ در منطقه باعث افزایش نقش عوامل منفی در هر دو سو گردید. این وضع سبب شد ناسیونالیستهای افراطی در جریان تشدید خصومت با جمهوری اسلامی ایران هر روز بیشتر به طرف همکاری با ضدانقلاب و رژیمهای مرتجع همدست آن در منطقه، بخصوص صدام جلب شوند. و از جانب دیگر عوامل منفی در جمهوری اسلامی ایران که حامل دیدگاهی قشری و تنگنظرانه نسبت به حل مسأله ملی در کردستان میباشند را تقویت نمود. آنها با اعمال نفوذ در دولت و ارگانهای اجرایی منطقه کوشیدند از طریق مخدوش ساختن مرز حقوق حقه خلق کرد با اهداف گروهکهای ضدانقلابی، تلاشهای مثبتی را که هزار چندگاه برای حل عادلانه مسأله کردستان آغاز می شد با شکست مواجه سازند و در این راه تاکنون موفق بوده اند. رئوس عمده سیاست مخربی که از جانب این جریان نسبت به مسأله کردستان تاکنون اعمال شده عبارت است از:

۱ - مخالفت با تأمین حقوق ملی خلق کرد تحت عنوان خواست ضدانقلاب!

سیاست تنگنظرانه و قشری نسبت به حقوق ملی و قومی خلق کرد، طی بیش از دو سال همواره از موضع انکار حقوق ملی و قومی خلق کرد در کردستان حرکت کرده است. این دیدگاه اساساً

انکار می کند که در کردستان یک مسأله تاریخی جدی به نام مسأله ملی وجود دارد که نحوه برخورد با آن نقش تعیین کننده در چگونگی سمت گیری مردم نسبت به جمهوری اسلامی ایران و هر نیروی دیگر ایفاء می کند. طرفداران این بیندیش تنگنظرانه مدعی هستند که با سرکوب نظامی گروههای ضدانقلابی و انجام پاره ای اصلاحات اجتماعی در زمینه امور فرهنگی و اقتصادی از قبیل آشنا کردن بیشتر مردم با فرهنگ انقلاب، تقسیم زمین میان دهقانان و ایجاد اشتغال برای بیکاران مسأله کردستان حل خواهد شد. این سیاست که هرگونه مرزی میان حقوق ملی خلق کرد و مقاصد شوم ضدانقلاب را مخدوش می سازد، نقش بسیار برجسته ای در سوق دادن توده ها به سوی این گروهکها ایفاء کرده و خوراک تبلیغاتی لازم را جهت عوام فریبی آنها فراهم کرده است.

۲ - همکاری با عناصر ضد مردمی و دشمنی و عدم همکاری با نیروهای مردمی و مترقی منطقه

آن سیاستی که حل مسأله ملی را از راه نظامی دنبال و همه چیز را در پیروزیهای نظامی جستجو می کند، چون الزاماً قادر به جلب همکاری توده های وسیع مردم نیست همکاری با هر جریان مشکوک و عنصر فرصت طلبی را که تظاهر به پذیرش مواضع وی کند می پذیرد. در عوض با آن دسته از نیروهای مردمی و مومن به انقلاب که نسبت به درک قشری و محدود این جریان نسبت به مسأله ملی موضع انتقادی دارند، دشمنی می کند. حاضر به هیچگونه همکاری و اتحاد عمل در مقابل ضدانقلاب با آنها نیست

در این زمینه درسهای آموزنده فراوان وجود دارد. این جریان علیرغم سوابق شناخته شده عناصری بدنام و پست ذی نفوذ و فئودالهای غارتگری چون دکتر خسروی رشیدبیک و جهانگیر درو و نظایر آنها را مسلح نمود.

با تحریک این عناصر ضد مردمی که به عنوان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در کردستان معرفی شده اند فجایعی نظیر قتل عام روستاهای قارنا، قلستان و ایندرفاش شکل گرفت که جز دور کردن مردم از جمهوری اسلامی ایران و تقویت ضدانقلاب ثمر دیگری نداشته است. طرفداران این سیاست فئودالها و اوباش منگور را در مهیاد مسلح کردند در بانه دار و دسته ضدانقلابی رشیدخان را در ارگانهای انقلابی به همکاری پذیرفتند و مدت ها در سنجیدگی افراد وابسته به روحانی مرتجع مفتی زاده را تحت عنوان پیشمرگ مسلمان کرد به جان مردم انداختند و در مقابل مدافعان این سیاست تاکنون از همکاری با نیروهای مردمی و مترقی منطقه خودداری کرده و در هر فرصت و بهانه ای آنها را مورد افترا و تهمت قرار داده و نسبت بدنها دشمنی ورزیده اند. آنها برخلاف پیام اول بهمن ۵۹ امام خمینی حتی از اعدام هواداران سازمان خودداری نکرده اند. و اعدام رفقا منصور خسروی و فخری شیدایی در ارومیه به دستور ملاحسنی و اعدام خسرو مائی و شفیع رضائی در سنندج، یازدها دسته جمعی اعضا و هواداران سازمان در میوان و سرانجام مجموع وقایعی که به شهادت رحمان کریمی انجامید از ثمرات و دستاوردهای تلخ مدافعین این سیاست تخریبی است.

سایر عملکردهای این تفکر از قبیل محاصره اقتصادی شهرها و روستاهای کردستان که تنها باعث در تنگنا قرار گرفتن مردم محروم و زحمتکش شده و ضدانقلاب با استفاده از مرز طولانی و روابط همه جانبه خود با رژیم صدام نه تنها هیچ آسیب ندیده، بلکه کمبود مایحتاج عمومی سبب گردید تا فروش مایحتاج قاچاقی که از عراق توسط ضدانقلاب آورده می شود، به منبع سرشار درآمد ضدانقلاب مبدل شود.

قطع حقوق کارمندان و بسرقت رفتن هشتاد و چند میلیون تومان از حقوق جمع شده آنها در بانک مهیاد، در یورش مسلحانه ضدانقلاب هموهمه مجموعه اعمالی است که هیچ تشابهی با روح پیام امام خمینی درباره کردستان نداشته است تا جایی که کسی توان مدعی بود که

مسئولین جمهوری اسلامی ایران تاکنون هر طریقی را در کردستان آزموده اند جز کوشش جهت رهنمون قرار دادن پیام ۲۶ آبان امام خمینی و سایر رهنمودهای ایشان در خطاب به جمعی از علماء و روحانیون کردستان در شهریور ۵۹ و یا پیام عفو عمومی اول بهمن ۵۹ امام خمینی.

شهادت رحمان کریمی ضایعات دردناک و درسی آموزنده

در میان فاکت ها و نمونه های بیشماری که بازگو کننده درک محدود و تنگنظرانه از مسأله کردستان است، بررسی مجموع وقایعی که به شهادت رحمان کریمی انجامید، از اهمیت و برجستگی ویژه ای برخوردار است. نگاهی مختصر به این جریان به روشنی نشان می دهد که سیاست غلط و انحرافی در قبال مسأله کردستان و بی توجهی به رهنمودهای امام تاکنون چه ضربات جدی بر پیکر زخم دار انقلاب در کردستان وارد نموده است

پس از پیام عفو امام خمینی به گروه های مسلح در اول بهمن ۵۹، تلاش های امیدبخشی جهت برخورد اصولی با مسائل کردستان آغاز شد که حکایت از رشد واقع گرایی در میان پاره ای مسئولین نسبت به مسأله کردستان می کرد. روزنامه جمهوری اسلامی مجموع گزارشی را منتشر ساخت که نشان می داد، سیاست انکاء به نیروهای غیر مردمی چگونه مردم را نسبت به حسنیت دولت جمهوری اسلامی ایران بدبین ساخته و نتایج تاسف آوری و منفی برای انقلاب دربر داشته است. پس از آن هیئتی از جانب دولت شهید رجایی به سرپرستی مرحوم آیت الله اشراقی برای بررسی و چاره جویی مشکلات آذربایجان غربی به ارومیه مسافرت کرد. در مورد برنامه مسافرت این هیئت در مطبوعات اعلام شد که پرداختن به مسائل مناطق کردنشین در حدود وظایف آن قرار دارد. این هیئت چندین بار به ارومیه مسافرت نمود و با مسئولین از نزدیک گفتگو و تبادل نظر نمود، مسافرت این هیئت مصادف بود با تشدید اختلاف باند قاسملو با

بخشی از کادر رهبری اعضا با سابقه و تعدادی از پیشروگان که حاضر به تأیید سیاست های ضدانقلابی باند قاسملو نبودند. آنها سرانجام انتشار اعلامیه های افشاگرانه درباره مأمیت ضدانقلابی و وابسته باند قاسملو جدایی خود را از این گروه خیانتکار اعلام کردند. این جریان که در رأس آن رحمان کریمی عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران پس سپس اعلام نمود از این پس با تمام نیرو و امکانات از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل توطئه های ضدانقلاب دفاع خواهد کرد. انشعاب رحمان کریمی و دوستانش از باند قاسملو با توجه به نفوذ و محبوبیت رحمان در میان مردم بازتاب گسترده ای داشت. تا جایی که موقعیت باند قاسملو و سایر گروهکها را به شدت متزلزل ساخت. برای چند ماه بحران در میان باند قاسملو شدت یافت. هر روز افراد دیگری از مناطق مختلف جهت ترک باند قاسملو اظهار تمایل کرده و خواستار رهنمود بودند. اکنون دیگر گسترش بحران و جداسدن نیروهای هرچه بیشتر از باند قاسملو بستگی به چگونگی برخورد دولت جمهوری اسلامی ایران با رحمان کریمی داشت. توجه به اهمیت مسأله، این مسئولین تا چه اندازه در مقابل این جریان احساس مسئولیت کرده و از آن حمایت نمایند، برای مردم به معیاری جهت سنجش حسنیت دولت در قبال سرنوشت خلق کرد بدل شد. در اولین ملاقات هیئت اعزامی با رحمان کریمی که تنی چند از مسئولین منطقه نیز شرکت داشتند، مواضع جریان انشعابی و اهمیت حمایت دولت از آن توسط رحمان کریمی توضیح داده شد. در آن جلسه علیرغم حسنیت افراد هیئت اعزامی، افراد شرکت کننده از نهادهای منطقه منجمله ملا حسینی و برخی از فرماندهان ارتش کوشیدند با طرح مسائل انحرافی از گسترش فضای تفاهم و همکاری جلوگیری نموده و محیطی آکنده از سوءظن و تردید بر مذاکرات حاکم سازند. پس از آن تعدادی از مسئولین سپاه پاسداران مرکز جهت بررسی بیشتر مسأله چندین بار به

رهنمودهای ...

بقیه از صفحه ۱۱

منطقه مسافرت و با رحمان کریمی گفتگو کردند. در جریان این گفتگوها از جانب مسئولین گفته شد که دولت طرحی شامل ۹ ماده در مورد کردستان تهیه و به زودی آن را اعلام خواهد کرد. همچنین آنها به رحمان کریمی قول دادند که افراد تحت مسئولیت وی را از نظر مالی و تسلیحات تامین نمایند. تا در کنار سپاه و دیگر ارگانها به وظایف انقلابی خود عمل نمایند. اما علیرغم تمام آنها، از طرح دولت هیچ خبری نشد و حمایتی هم از رحمان به عمل نیامد و تا جایی که بخشی از نیروها پس از ماهها انتظار هنگامی که از حمایت دولت ناامید شدند تحت فشار مشکلات مادی و عدم تضمین امنیت جانی از طرف دولت بار دیگر به باند قاسملو پیوستند و باند قاسملو پیرامون این جریان به عنوان نمونه‌ای بارز از عدم پایبندی دولت به تعهدات خود در قبال کسانی که از وی حمایت می‌کنند، تبلیغ کرد.

در جریان پاکسازی منطقه اشنویه و سومای برادوست از افراد باند قاسملو و کومله، رحمان کریمی به اتفاق افراد تحت مسئولیت خود فعالانه بکت نمود و نقش بسیار برجسته‌ای در پاکسازی منطقه برعهده گرفت ولی از همان آغاز استقرار نیروهای دولتی در اشنویه، تحرک علیه رحمان و دوستانش آغاز شد تا جایی که یکی از مسئولین سپاه ارومیه ضمن مراجعه به رحمان از وی خواستت سلاح‌هایی را که در جریان پاکسازی از آنها تحویل گرفته به سپاه بازگرداند که معنایی جز خلع سلاح آنها نبود. و همچنین فشارهایی به خاطر ترک اشنویه به رحمان وارد شد. در این رابطه از جانب رهبری حزب دموکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) با مسئولین استانداری آذربایجان غربی گرفته شد، اما تلاش‌های رهبری حزب جهت جلوگیری از این برخوردهای مخرب و نفاق‌افکنانه موثر واقع نشد و در آخرین جلسه یکی از معاونین استانداری به نام

"محصولی" با طرح مسائلی که جز ایجاد تفرقه و نفاق هدف دیگر را دنبال نمی‌کرد محیط مذاکره و گفتگو را هرچه بیشتر تیره ساخت. پس از آن ابراهیمی استاندار آذربایجان غربی در یک سخنرانی اعلام کرد که ما نمی‌خواهیم گروه‌های طرفدار شوروی جای گروه‌های طرفدار آمریکا را بگیرند که منظورش توجیه سیاست عدم همکاری با رحمان کریمی بود. و در پی آن، سخنرانی آقای نیکروش وزیر کشور در مساباد که حکایت از بی‌اطلاعی ایشان از مسائل بی‌غرنج کردستان می‌کرد، تصویری ناامیدکننده از سیاست دولت در مورد کردستان ارائه نمود. پیش از آن توسط محصولی نامه‌های متعددی برای افراد تحت مسئولیت صنارامندی ارسال شده که در آنها خواسته بود صنار را ترک گفته و به نیروهای دولتی ملحق شوند. این نامه‌ها از طریق همان افراد مستقیماً در اختیار صنار گذاشته شده بود و غیرممکن است که آقای محصولی ندانسته باشد که صنار از مضمون نامه‌ها اطلاع خواهد یافت. ارسال این نامه‌ها از جانب یکی از مسئولین عالی‌رتبه استانداری آذربایجان غربی عملاً این اندیشه را در صنار تقویت نمود که علیرغم مخالفت وی با باند قاسملو و شرکت در پاکسازی منطقه، از جانب دولت هیچگاه تامین جانی نخواهد داشت تقویت چنین اندیشه‌ای توسط نامه‌های مشکوک محصولی عنصر منزلی چون صنار را به چاره‌جویی و یافتن پناهگاهی مطمئن واداشت و این تکیه‌گاه جز باند قاسملو نمی‌توانست باشد. فهمیم برادر صنار واسطه معامله قرار گرفت، شرط قاسملو برای پذیرش مجدد صنار، شهادت رحمان کریمی بود. و زمانی که رحمان برای پس گرفتن تعدادی از سلاح‌های امانتی سپاه که در جریان پاکسازی در اختیار صنار قرار گرفته بود به‌ویژه مراجعه نمود به دستور صنار بازداشت و به شکل ناجوانمردانه‌ای به

شهادت رسید. با شهادت رحمان، موجی از تأثر و اندوه مردم کردستان را فرا گرفت. تنها نه از این باست که با شهادت وی آنها یکی از بهترین فرزندان خود را از دست داده‌اند، بلکه از آن جهت که آنها دولت جمهوری اسلامی را مسئول مستقیم شهادت وی می‌دانند. مسئولین دولت به تعهدات خود در قبال رحمان پای‌بند نماندند. مردم رحمان را قهرمانی آن سیاست تنگ‌نگرانه‌ای می‌دانند که نه تنها هیچگاه قادر به گشودن گره کردستان نخواهد بود، بلکه با اعمال بی‌رویه خود آن را به کلافی سردرگم تبدیل ساخته است. برکناری افراد مشکوکی چون محصولی و عرب‌نژاد و نظایر آنها در نفس‌امر پدیده مثبتی است ولی تا آن زمان که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خود نسبت به مساله کردستان بر اساس به رسمیت شناختن حق خودمختاری خلق کرد بر مبنای پیام ۲۶ آبان امام خمینی قانون اساسی تجدیدنظر ننماید، همواره شرایط جهت اعمال نظر افراد مشکوک و ضدانقلابی در مساله کردستان آماده خواهد بود. مساله کردستان، مساله باند قاسملو و سایر گروهک‌های ضدانقلابی نیست، بلکه مساله نزدیک به چهار میلیون از محروم‌ترین هم‌میهنان ماست. اگر ضدانقلاب تا به امروز نتوانسته است با برافراشتن پرچم مبارزه در راه خودمختاری، حمایت بخش قابل توجهی از مردم را جلب نماید، این مساله خود حکایت از جدی بودن مساله ملی در کردستان دارد. سرکوب نظامی ضدانقلاب زمانی نتیجه‌بخش خواهد بود که دولت جمهوری اسلامی ایران با به رسمیت شناختن حق خودمختاری (خودگردانی) خلق کرد، بهانه عوام‌فریبی ضدانقلاب را از دستش خارج و آن را از نظر سیاسی خلع سلاح کرده باشد این اندیشه‌ای بسیار مخرب است که هنوز فکر می‌کند اول باید توسط ارتش و سپاه کردستان را از لوث وجود ضدانقلاب پاک کرد آنگاه جهت رفع محرومیت‌های مردم اقدام نمود. بدون شک تحقق اصلاحات فرهنگی و

اقتصادی نیاز به امنیت دارد اما برقراری امنیت پیش از آنکه نیاز به ارتش و سپاه داشته باشد محتاج حمایت توده‌هاست. سرنوشت سازمان مجاهدین در این مورد نیز بسیار آموزنده است این جریان با تمام امکانات مادی و تسلیحاتی و تشکیلات گسترده خود از آن جهت نتوانست کاری از پیش ببرد تا جایی که امروز به مرز نابودی رسیده است که شعارها و اعمالش خلاف جهت و خواست توده‌هاست. شعارهای آنها با زندگی واقعی توده‌ها پیوندی ندارد آنها قبل از آنکه به لحاظ نظامی شکست خورده باشند از نظر سیاسی توسط مردم شکست خورده بودند. مساله کردستان چنین نیست ضدانقلاب بدین علت تاکنون قادر به حفظ موجودیت خود در منطقه شده و همچنان سلطه خود را به بخش‌های وسیعی از منطقه اعمال می‌کند که شعار اصلی را از انقلاب گرفته است. مردم کردستان سالیان دراز به خاطر این شعار مبارزه کرده، شکنجه شده و شهید داده‌اند. اگر انقلاب در جهت تحقق این شعار تاریخی که کلید اصلی حل مساله کردستان است، گام بردارد، هر نیروی دیگری می‌تواند با در دست گرفتن آن، توده‌های مردم را علیه انقلاب بسیج نماید کما اینکه این امر در مورد هر مساله دیگری که به خواست و شعار توده‌ها تبدیل شود مصداق دارد.

ما پیام ۲۶ آبان ۵۸ امام خمینی را استوارترین مبنای برای حل عادلانه مساله کردستان در جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم و اعتقاد داریم که نیروهای مومن به انقلاب باید با رهنمون قرار دادن پیام امام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طرح به رسمیت شناختن حقوق خودمختاری (خودگردانی) فرهنگی - اداری کردستان را تهیه و پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی هرچه سریع‌تر آن را اعلام نمایند. انقلاب تاکنون بر مشکلات بزرگی فایق آمده است و امروز که نیروهای مردمی طسرفدار خط امام در راس حاکمیت انقلابی قرار گرفته‌اند، به گفته امام خمینی دیگر هیچ عذر و بهانه‌ای جهت تکرار اشتباهات گذشته پذیرفته نیست. مردم کردستان در دومین سالگرد پیام امام خمینی و در آغاز کار دولت مردمی آقای میرحسین موسوی به حق از ایشان انتظار دارند همان‌گونه که شایسته دولت طرفدار محرومان و مستضعفین است، با به رسمیت شناختن و اعلام حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نسبت به خلق کرد پایبندی دولت را به رهنمودهای امام خمینی درباره کردستان که بطور برجسته در پیام ۲۶ آبان ایشان انعکاس یافته است اثبات نماید.

منتشر شد

ردیابی تکتیک امپریالیسم

مجموعه مقالات:

- "دولت ماباره و تکتیک جدید امپریالیسم"
- "تجارب برخورد با تکتیک "دولت ماباره"
- امپریالیسم و ارتجاعی‌ترین نیروها به تروزیسم روی می‌آوردند
- چگونه انقلاب تروزیسم را درهم می‌شکند

نقل از کار (اکثریت)

بقیه از صفحه ۸

ساده لوحانه برای

به محتاجان گرسنه و بی خانمان نگاه می کنند . انقلاب ، انقلاب محرومان مستضعفان " و پابرهنگان است . صاحبان اصلی انقلاب اینان هستند و حرکت انقلاب در جهت پاسخگویی به مطالبات برحق آنان یک ضرورت ناخیرناپذیر است . یکی از آماج های انقلاب دگرگون ساختن اساس روابطی است که بین زمینداران بزرگ بین مالکان بزرگ و دهقانان زحمتکش ، بی زمین و کم زمین وجود داشته و دارد . روابطی که اساس آن مبتنی بر ظلم زور ، استثمار و چپاول و غارت از سوی بزرگ مالکان است . طرح پیشنهادی ۱۶ نماینده ، جدا از نیاتی که در سر دارند به استمرار و استقرار این روابط ناعادلانه و ظالمانه در روستاها یاری می رساند و در نهایت و در عمل در خدمت آن قرار دارد . اشکالات اساسی و ابهاماتی که در طرح ۱۶ نماینده وجود دارد آن را به صورت طرحی که با مصالح انقلاب انطباق ندارد و حتی علیه آن است درآورده است اساس این طرح به نیازهای انقلاب و به خواست برحق میلیون ها دهقان بی زمین و کم زمین بی توجه می ماند و اولی حل یکی از مبرم ترین وظایف انقلاب شاه خالی می کند . چنین به نظر می رسد که واقع بینی لازم در میان اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی به آن میزان رشد یافته است که ضرورت های انقلاب را درک کند ، به مطالبات میلیون ها دهقان زحمتکش پاسخ مثبت دهد و بیش از پیش خود را شایسته اختیاراتی بداند که امام خمینی از سوی مردم به آنان تفویض کرده است .

ما بر این باوریم که مجلس باید لایحه پیشنهادی هیئت دولت را با توجه به محتوای ترقیخواهانه قانون واگذاری و احیاء زمین " و با تحکیم جنبه های مردمی تأکیدات امام خمینی ، آیت الله منتظری ، آیت الله مشکینی و آیت الله شهید دکتر بهشتی در این زمینه مورد تأیید و تصویب قرار دهد و گام شایسته ای در گسترش و تعمیق انقلاب به پیش بردارد .

است هر نیت خیرخواهانه تنظیم کنندگان را نیز نقش بر آب می سازد . اولاً : رسیدگی به دعای مورد ادعای تنظیم کنندگان طرح از ظرفیت کار دادگاهها خارج است و اساساً عملی نمی باشد . ثانیاً : این قیود شرعی رونسد " مذکبی " کردن مالکیت های بزرگ ارضی را که با توسل به روحانیون طرفدار بزرگ مالکان صورت می گیرد توجیه کرده و به آن مشروعیت و اعتبار قانونی می بخشد . کافی است به تجارب هیئت های هفت نفره در این زمینه یک توجه سردستی می شد . آن وقت روشن می گردید که چگونه طرح ۱۶ نماینده ، بیشتر تمکین به آن دسته از روحانیون دشمن خط مردمی امام خمینی است که به سود بزرگ مالکان و در جهت افلاس و فقر و تباهی و خانه خرابی میلیون ها دهقان زحمتکش هر لحظه آماده فتوا هستند . تجربه هیئت های هفت نفره خراسان در این زمینه حاوی دلایل محکمی در رد طرح پیشنهادی ۱۶ نماینده است .

در طرح پیشنهادی ۱۶ نماینده همچنانکه مشاهده می شود ، صحبت از احیاء مجدد اراضی " بایر و دایر " توسط مالک و " مزارعه یسا اجاره به اشخاص " و بازگرداندن اجاره بها به مالک است .

این به روشنی نگرش تنظیم کنندگان طرح را نسبت به چگونگی تحولات بنیادین در اقتصاد کشاورزی ایران بازگو می کند و نشان می دهد که تنظیم کنندگان طرح بیش از اینکه به تجدید سازمان اقتصاد کشاورزی ایران در راستای دستیابی به خودکفایی و استقلال بیاندیشند ، بیش از آنکه به بهروری توده های دهها میلیون زحمتکش شهر و روستا عمیقاً یاور داشته باشند و به همان " مستضعفان و پابرهنگه های " که امام آنها را ستون انقلاب می دانند پای بند بدانند و به مستضعفان و پابرهنگه ها از سر صدقه و خیراتی می نگرند که کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان سیر خورده و خوابیده



تأمین شرایط انسانی کار خواست کارگران معادن سرب است

زمین گیر می شوند . علاوه بر همه اینها که به اصطلاح فرسودگی " طبیعی " و تدریجی است ، (از آغاز کار معدن تاکنون) بارها و بارها اتفاق افتاده است که بسیاری از کارگران کوه بر در حین کار در اثر ریزش کوه جانشان را از دست داده اند و یا در اثر مسمومیت های شدید سرب ، در اعماق زمین قلیشان از کار ایستاده است . این ، بیان شمه ای از شرایط مشقت بار کار و زندگی کارگران سرب است . تا مسئولین دولتی (وزارت صنایع و معادن و شرکت معادن و ذوب فلزات و وزارت کار و امور اجتماعی) ضرورت عجل تأمین حداقل حقوق صنفی - رفاهی کارگران معادن به ویژه معادن سرب را بیش از پیش درک کنند . مطالبات عاجل کارگران سرب نخلک به قرار زیر است :
۱ - تأمین حفاظت محیط کار ، تجهیز کارگران به ابزارها و وسائل فنی لازم افزایش دستگاه های تهویه دالان ها و تعویض مداوم هوای آلوده و پر گرد و غبار محیط کار .
۲ - تأمین وسائل رفاهی و بهداشتی و تغذیه مناسب کارگران .
۳ - رسیدگی به مشکلات تأمین اجتماعی کارگران (بیمه درمانی ، مسکن و ...)
و اما این حداقل حقوق نیز بدون تحکیم و تقویت هر چه بیشتر شورای کارگران معدن نمی تواند بدرستی تحقق پذیرد . کارگران معدن سرب نخلک باید گام نخست را (که همان تأمین یکپارچگی و استحکام هرچه بیشتر شورای معدن است) با قاطعیت و پیگیری انقلابی شان بردارند .

غبار ، مرطوب و داغ با دست های سی آلوده به سرب نان شان را می خورند . که این خود در ابتلای آنان به بیماری های گوناگون ، مزید بر علت است . حداقل دستمزد کارگران معدن ۲۳ تومان و حداکثر آن برای کارگران قدیمی (که برخی تا ۳۰ سال سابقه کار دارند) ۸۵ تا ۹۵ تومان است . که این دستمزد (با توجه به محرومیت کارگران سرب از حداقل وسائل تأمین اجتماعی و رفاهی) هیچ وجه تناسبی با شرایط غیر انسانی کارشان نداشته و بطریق اولی پاسخگویی حوائج اولیه شان نیست . سختی شرایط کار ، وقتی دو چندان می شود که کارگران به ابزارها و وسائل ایمنی کار نیز مجهز نباشند . در معدن سرب نخلک ، کارگران به هنگام کار ماسک های قابل استفاده و موثری در اختیار ندارند تنها نمونه هایی از ماسک های قدیمی و ساده وجود دارد که تنفس در آنها نیز به علت گرمی هوا بسیار دشوار است و به همین خاطر کارگران نمی توانند از آن استفاده کنند و مجبورند با تنفس مستقیم هوای آلوده و مسموم به سرب ، در معرض انواع بیماری های ریوی خطرناک و مزمن قرار بگیرند . کوهبری در کار معدن ، از مشکل ترین کارهاست . کارگرانی که به این کار مشغولند ، عموماً آنچنان سریع از سختی کار و آلودگی محیط ، فرسوده و شکسته می شوند که اغلب به ۵۰ سالگی نمی رسند ، و یا حداقل در اثر ابتلای به بیماری هایی چون سل ، تنگی نفس ، و روماتیسم مزمن ، عملاً از کار افتاده و

معدن سرب نخلک ناغین که کارش استخراج و تصفیه سرب است ، متجاوز از ۵۰۰ کارگر دارد که برخی از آنها را کارگران زن تشکیل می دهند . کارگران زن در خارج معدن ، عمدتاً به کار جدا کردن سنگ های خالص سرب (کالن) از سایر سنگ ها می پردازند . این معدن توسط وزارت صنایع و معادن و شرکت معادن و ذوب فلزات ایران ، اداره می شود و محصولش بیشتر اهمیت صادراتی دارد . شرایط کار و زندگی کارگران سرب ، بسیار طاقت فرسا است آنان در خانه های خشتی اطراف معدن زندگی می کنند ، خانه های که در برابر شرایط نامساعد کویری (تابستان های بسیار گرم و زمستان های بسیار سرد) از حداقل امکانات رفاهی نیز برخوردار نیست . شرایط کار کارگران سرب نیز بنحو غیر قابل تحملی توانفرسا و مشقت بار است . نان در اعماق دالان های مور ، آلوده و بسیار گرم معادن سرب (در اعماق ۵۰ تا ۸۰ ، ۱۲۵ ، ۱۶۵ و ۲۰۰ متری زمین) به استخراج ، بیهوشی و حمل و نقل و ... شغلووند . کارگران ، در عمق ۲۰۰ متری زمین در میان آب غرق می کنند . ساعات کار معدن ، تا عمق ۱۶۵ متری در نوبت های هفت ساعتی (در دو نوبت) و در عمق ۲۰۰ متری در نوبت های ۱۰ ساعته (در سه نوبت) است . در این ۶ یا ۷ ساعت کار ، کارگران فرصت نیم ساعت استراحت و غذا خوردن در همان نقطه محل کار را پیدا نمی کنند ، در نور معدن سفره های نالی شان را پهن می کنند و فضایی مسموم ، پر گرد و

۲۵ آبان به پاس حماسه جانبازی پاسداران دلیر در شهر سوئسگرد روز " شهدای پاسدار " نامگذاری شد و به همین جهت از سوی مسئولین سپاه مراسم ویژه‌ای در ستایش از شهدای پاسدار و توضیح تشریح نقش این نهاد در دفاع از انقلاب در سراسر همین برگزار شد.

در طول سه سال رویارویی انقلاب ایران با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جنایتکار و عوامل داخلی آن ساواکی‌ها و ایادی رژیم پیشین ، درهم شکستن شبکه‌های ضدانقلابی وابسته به امپریالیسم ، تعقیب ، دستگیری مهره‌های فاسد رژیم سرنگون شده شاه امریکایی ، مقابله با توطئه‌های ضدانقلابی نظیر غائله حزب آمریکایی خلق مسلمان در تبریز ، کشف و سرکوب شبکه‌های کودتا در ارتش به پاری ارتشیان میهن‌دوست و مومن به انقلاب و سرانجام مقابله با موج تروریسم ، فهرستی از خدمات و تلاش پاسداران انقلابی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب است جنگ تحمیلی صدام علیه

بمناسبت ۲۵ آبان روز شهدای پاسدار سپاه پاسداران خاری در چشم امپریالیسم امریکا

اگر سپاه نبود کشور هم نبود - امام خمینی

جنایتکارانه ، لیبرالها و بنی‌صدر نیز درصدد انحراف سپاه پاسداران از آماج‌های مردمی انقلاب ایران برآمدند مخالفت دولت بازرگان با پاسداران و کارشکنی در اقدامات ترقیخواهانه آن و سپس تلاش‌های محیلانه بنی‌صدر در جهت مسخ این نهاد در این شمار قابل ذکر است . به موازات این اقدامات باید از تلاش‌های محافل و نیروهای قشری و راستگرا نام برد که دانسته یا ندانسته کوشش می‌کنند سپاه را از محتوای ضدامپریالیستی و مردمی‌اش تهی کرده و آن را در برابر مردم قرار دهند . حوادث ۲ سال و نیمه پس از انقلاب - موضوع ثابت می‌کند که سپاه همواره یکی از هدف‌های اصلی اعمال جنایتکارانه امریکا و ضدانقلاب وابسته به آن

سپاه پاسداران خاری است در چشم امپریالیسم و اذنانب آن . امریکای توطئه‌گر از بدو تشکیل سپاه تا به امروز به طرق مختلف کوشیده است تا این نهاد انقلابی را از سر راه بردارد . تلاش برای فاسد کردن و یوساندن سپاه از درون ، همراه با حملات سبانه و بی‌اعتبار کردن آن در نزد توده‌ها ، به تقابل کشیدن سپاه با مردم و ... از اهم اهدافی است که امپریالیسم جهانی برای درهم شکستن نیروی انقلابی سپاه بکار گرفته است . امریکا زمانی پاسداران را "دزدان دریایی" نامید و زمانی دیگر به یاری و همدستی شبکه‌ها و باندهای ضدانقلابی و جوانان فریب‌خورده کمر به قتل‌عام و حشمانه آنان بست . باجمعی این تلاش‌های

مهمین انقلابی ما ، مهمترین آوردگاهی است که پاسداران شهادت ، شجاعانه و شایستگی خود را در دفاع از انقلاب ، میهن و مردم ایران به ثبوت رسانده‌اند . پاسداران مومن به انقلاب و امام با جانبازی و فداکاری دست در دست ارتشیان میهن‌دوست و دیگر نیروهای مردمی با پیکرهای خود سدی نفوذناپذیر در برابر یورش وحشیانه ارتش صدام برپا کرده و با خون سرخشان نهال نورس انقلاب را بارورتر ساختند . یورش ارتش صدام به همت همین جانبازی سپاه و ارتش و بسیج و مردم و نیروهای مردمی متوقف شد و نقشه اهریمنی امریکا و کارگزارش در منطقه ، برای تبدیل خوزستان به " ایران آزاد " نقش بر آب شد .



مانور "ستاره درخشان" خشم انقلابی توده‌های منطقه را

علیه امپریالیسم امریکایی برانگیخته است

روبروست ، دیگرسر کشورهای شرکت‌کننده در مانور نیز اوضاع کم و بیش مشابهی دارند در سایر کشورهای منطقه که رژیم‌های وابسته و غربگرا حاکم هستند ، نیز جنبش آزادیبخش خلقها رو به اوج‌گیری است که در راس همه جنبش خلق فلسطین قرار دارد که علیرغم تمام ترفندهای امپریالیسم همچنان موجودیت انقلابی خود را حفظ کرده و تاثیر عمیقی بر روند مبارزات انقلابی خلقهای منطقه برجای می‌گذارد . از طرف دیگر به دنبال نزدیک هرچه بیشتر لبی ، انتیوی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن و تقویت مواضع جنبه پایداری و شرکت ایران به عنوان ناظر در جنبه پایداری ، چشم‌انداز وحدت عمیق‌تر خلقهای منطقه لشکرکشی و صدور ضدانقلاب

هم‌اینک مصر بزرگترین و مهمترین کشور از میان چهار کشور عربی شرکت‌کننده در مانور ، در یکی از متلاطم‌ترین اوضاع سیاسی تاریخ خود بسر می‌برد . مبارزات مردم مصر به دنبال ترور سادات خائن هر روز که می‌گذرد ، گسترده‌تر می‌شود . جانشینان سادات نیز همانند وی قادر نبوده و نیستند که اوضاع نابسامان اقتصادی کشور را سر و سامان دهند . آنها در مقابله با اوج دام‌افزون مبارزه مردم ، ناتوانی خود رابه عینه آشکار ساخته‌اند .

اوضاع رژیم‌نمیری نیز شباهت زیادی به همپالکی مصری خود دارد خبرهای رسیده از این کشور همگی حاکی از آنند که سودان نیز این روزها به همراه اوج‌یابی مبارزات مردمش با مشکلات عدیده اقتصادی و اجتماعی

همزمان با مانور دریایی مشترک امریکا که با شرکت ۶ کشور غربی در آبهای مدیترانه صورت پذیرفت ، مانور گسترده امریکا به نام " ستاره درخشان " نیز در مصر ، سومالی ، سودان و عمان آغاز گردید . این مانورها قرار است ده روز به طول انجامیده و طی آن ۶ هزار تفنگدار امریکایی به همراه مزدوران مصری و دیگر کشورها عملیات مشترک خود را به فرماندهی " رابرت سی . لینگستون " (فرمانده نیروهای واکنش سریع) به اجرا درآورند

هدف امپریالیسم امریکا از مانور " ستاره درخشان "

مقامات امریکایی اعلام کرده‌اند که هدف از انجام این مانورها در منطقه ، آماده ساختن نیروهای واکنش سریع و استفاده از آنها در " مواقع ضروری " و همچنین به خاطر " دفاع از منافع حیاتی امریکا " می‌باشد . اما مواقع ضروری " و " منافع حیاتی امریکا " در شرایط سیاسی کنونی به چه معنی است ؟

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

طرح وزارت خارجه ...

انقلاب «قاسمی‌ها» را

افشای کند

در این دادگاه و در پیشگاه مردم ایران بار دیگر گوشه‌های تاریک و افشای نشده‌ای از خیانتکاری جبهه ملی و حزب ایران که به گفته یک شاهد "در بسیاری از مقاطع کارگزار رژیم شاهنشاهی بودند" برملا گشت

در هفته گذشته ابوالفضل قاسمی دبیرکل حزب ایران، یکی از دشمنان شناخته شده انقلاب و جنبش کارگری و کمونیستی ایران پس از یک محاکمه نسبتاً طولانی به اتهام همکاری با ساواک، شاهپور بختیار و حزب خلق مسلمان و نیز تضعیف انقلاب و ارگان‌های انقلابی به حبس ابد محکوم گردید. محاکمه ابوالفضل قاسمی در واقع محاکمه مجدد خط سازش، محاکمه خط لیبرالیسم و محاکمه نیروهای بود که سالها زیر پوشش آزادیخواهی به آرمان ملت ایران و توده‌های محروم میهنان خیانت کرده‌اند. در این دادگاه و در پیشگاه مردم ایران بار دیگر گوشه‌هایی تاریک و افشای نشده‌ای از خیانتکاری جبهه ملی و حزب ایران که در بسیاری از مقاطع کارگزار رژیم شاهنشاهی بودند "برملا" گشت. طی روزهای متوالی محاکمه و از زبان رئیس دادگاه، دادستانی انقلاب و شاهدان عینی مجمله رهبری عملیات ساواک و نیز با استناد به پرونده‌های قطور ساواک، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های حزب ایران و مقاله‌های روزنامه "جبهه آزادی" ارگان حزب ایران بسیاری از حقایق برای هم میهنان انقلابی‌مان آشکارتر شد. آشکار شد که رهبران جبهه ملی و حزب ایران چه سوابق درخشانی داشته‌اند! چگونه از ساواک مستمری دریافت کرده و در جهت مصالح انقلاب با آن همکاری می‌کرده‌اند، چگونه با دشمنان سوگندخورده انقلاب ایران با بختیار و عوامل او با حزب خلق مسلمان و ... در رابطه بوده و چگونه علیه انقلاب و نیروهای انقلابی توطئه‌چینی می‌کرده‌اند. آقای رسول مهربان همکار سابق ابوالفضل قاسمی در کمیته مرکزی حزب ایران که اکنون شجاعانه در برابر حزب و جبهه ملی ایستاده است به عنوان شاهد در این

رژیم سادات در آغاز بنا به مسائل مصلحتی با جریانات راست و نیروهای مرتجع متحد شدند تا پس از حل تضاد اصلی به سراغ تضادهای فرعی بروند! که البته این نیروها به سرنوشت سادات دچار شده تا خرخره در وابستگی فرو رفتند (کیهان ۲ آبان)

واقعیت این است که همه باند‌هایی که در افغانستان علیه حکومت انقلابی آن کشور می‌جنگند و مجاهد بر خود گذاشته‌اند چنین ارادتی هستند. اینکه جمهوری اسلامی ایران بخواهد برای مردم افغانستان مجاهدین جدیدی بترشد که ضدامریالیست هم باشند و آنگاه از میان آنان نماینده انتخاب کند، مسئله دیگری است. اما به هر حال وقتی در طرح از "نمایندگان مجاهدان افغانی" صحبت می‌شود بدون آنکه این مزدوران امریالیسم افشای شوند، تصویر نادرستی از مواضع جمهوری اسلامی ایران به خلق‌های منطقه ارائه شده است که برخلاف نظر آقای موسوی در فراز مدت به "وحدت نیروهای مردمی و مبارز افغانستان" و تصفیه عناصر وابسته منجر نخواهد شد.

طرح وزارت خارجه ایران تناقض بزرگ جمهوری اسلامی را بیش از هر زمانی آشکار کرده است این تناقض که از یکسو جمهوری اسلامی ایران با قاطعیت علیه امریالیسم جهانی بسرگردگی امریکای جنایتکار در حال نبرد است و از سوی دیگر پیرامون انقلاب افغانستان با جبهه جهانی ارتجاع بسرگردگی امریکای جنایتکار در یک صف ایستاده است.

همه می‌دانند که تمام کشورهای ضدامریالیست و ترقیخواه جهان و منطقه از جمله لیبی، سوریه، یمن، مراکش، الجزایر و جنبش فلسطین از انقلاب افغانستان و رژیم مردمی و انقلابی آن دفاع می‌کنند و تمامی رژیم‌های اسلامی منطقه که از اسلام آمریکایی پیروی می‌کنند، با انقلاب و دولت مردم افغانستان دشمنی می‌ورزند. دلیل حضور رژیم آمریکایی ضیاءالحق و یک کشور موهوم ضدامریالیست اسلامی در طرح، از همین جا است.

بقیه از صفحه ۵
را در مبارزه با استعمار جهانی بسرگردگی امریکا و صهیونیزم نشان داده باشد" مسلماً درج این راه‌حل در روزنامه‌های کنیترالانتشار پاکستان به زحمتکشان آن کشور چنین تداعی می‌کند که از نظر مقامات جمهوری اسلامی ایران، پاکستان هم کشوری است که مخالفت روشن خود را در مبارزه با استعمار جهانی بسرگردگی امریکا و صهیونیزم نشان داده است و یا حداقل عبارت "پاکستان، ایران و یک کشور اسلامی دیگر" که بدون هیچگونه توضیحی ذکر شده است، چنین مفهوم می‌شود که از نظر جمهوری اسلامی ایران این هر سه کشور اسلامی هستند آیا میان اسلام آمریکایی ضیاءالحق و اسلام امام خمینی کوچکترین قرابتی می‌توان دید؟

همچنانکه گفته شد در طرح از حکومت افغانستان نام برده نمی‌شود اما پاکستان و ایران و نمایندگان مجاهدان افغانی "طرفین مذاکره قلمداد می‌شوند. آیا این تأیید به اصطلاح مجاهدان افغانی تصویر درستی از مواضع انقلاب ما به خلق‌های جهان ارائه می‌کند؟ آیا اصولاً ایران و پاکستان می‌توانند در مورد اینکه چه کسی نماینده مجاهدان افغانی و چه کسی مزدور امریالیسم امریکا است نقطه نظر واحدی داشته باشند مسلماً حجاج ایرانی، این به اصطلاح مجاهدان افغانی را که در عربستان صدای رادیوهای خود را برای شنیدن برنامه رادیو امریکا تا آخر یاز می‌کردند خوب شناخته‌اند.

از نظر پاکستان "نمایندگان مجاهدان افغانی مزدورانی نظیر سید احمد گیلانی هستند که در دیدار اخیر خود از بریتانیا اظهار داشت: "بنیادگرایان تروریست هستند" سرمقاله کیهان به اصطلاح مجاهدان افغانی را کسانی معرفی می‌کند که از آغاز روی کار آمدن رژیم کودتا تاکنون علیه حکومت حاکم و نیروهای شوروی به نبرد مشغولند اگر این نیروها به چند دسته تقسیم شوند می‌بینیم که اکثر آنها یا وابسته هستند و یا همچون

صدور ضدانقلاب به این کشور همسایه اتحاد شوروی هم موافق با قوانین بین‌المللی است و هم عمیقاً جنبه انسانی و بشردوستانه و انقلابی دارد. همانگونه که گفتیم چنین شیوه برخوردی از نظر اصولی نیز نادرست است. زیرا هیچ انقلابی را نمی‌توان صادر کرد و از هیچ انقلابی نمی‌توان الگو برداری کرد. هر چند همه انقلابات، تابع قانونمندی‌هایی است که طبیعتاً شباهت‌های ناگزیری بین آنها ایجاد می‌نماید. اما این قانونمندی‌ها راه خود را از میان شرایط عینی و واقعی کشورهای گوناگون باز می‌کند و ویژگی‌های خاص هر کشور مهر خود را بر چگونگی پیروزی و رشد هر انقلابی خواهد زد. واقعیت این است که انقلاب ایران و انقلاب افغانستان هر دو وجه تشابه بسیاری دارند زیرا هر دو انقلاب، جنبه ضدامریالیستی دموکراتیک و مردمی دارند اما هر یک از این انقلاب‌ها به شکل خاص خود پیروز شده است و به شکل خاص خود تعقیق و گسترش خواهد یافت این واقعیت در طرح در نظر گرفته نشده است.

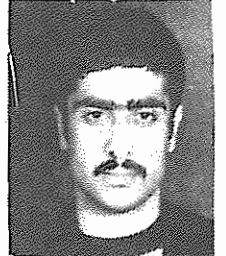
معرفی نادرست انقلاب ایران

در واقع وظیفه انقلابی ما در قبال خلق‌های منطقه و جهان حکم می‌کند که با تصریح مواضع جمهوری اسلامی ایران، با شناختن و شناساندن دوستان و دشمنان انقلاب در عرصه جهانی بر اشتیاق خلق‌ها نسبت به آرمان‌ها و اهداف خود بیفزاییم وقتی وزارت خارجه در طرح خود آشکارا در برابر اتحاد شوروی و افغانستان موضع می‌گیرد اما بطور تلویحی پاکستان و به اصطلاح مجاهدین افغانی را تأیید می‌کند، در افکار عمومی خلق‌های جهان چه تصویری از انقلاب ایران ترسیم می‌نماید؟ در راه حل‌هایی که طرح وزارت خارجه ارائه می‌کند گفته می‌شود: تشکیل یک نیروی حافظ صلح از نیروهای پاکستان، ایران و یک کشور اسلامی دیگر که مخالفت روشن خود

دو ستاره هرگز یاران



رفیق فدایی
یوسف ذوالفقاری



رفیق فدایی
حمید نوانهادی

تلاش می کنیم

هنگامی که محمد علی میرزا شاه قاجار بر زمین خاکی خیانت های لیبرالها و با همدستی مستقیم امپریالیست های خارجی و به ویژه روسیه تزاری، مجلس اول را به توپ بست، تبریز برای ادامه انقلاب مشروطیت و حفظ دستاوردهای به دست آمده بپا خاست.

تبریز تحت سرگردگی فرزند شایسته خود ستارخان ۱۱ ماه تمام در برابر تهاجم مداوم ارتجاع قاجار و تلاش های خیانتکارانه لیبرالها مقاومت کرد. ستارخان که از سوی مردم آذربایجان و بعدها سراسر ایران لقب سردار ملی را بر خود گرفت، با الهام و کمک گرفتن از انقلابیون بزرگی چون حیدر عموآوغلی و علی مسیور هیران سوسال و دمکرات های ایران جنگ های تبریز را با موفقیت رهبری کرده و در پیروزی انقلابیون سهم بزرگی ایفاء کرد.

درایت و کاردانی نظامی ستارخان به مجاهدین و مردم تبریز شور و امید می بخشید و گلوله هایی که از دهانه تفنگ او قلب سپاه مزدوران را نشانه می گرفت خبر از زنده ماندن انقلاب می داد. فریادهای "سردار گلدی" (سردار می آید) در هر کوی و برزنی می پیچید آرزوهای هزاران ساله مردمی در بند را زنده می ساخت.

در آن روزهایی که تبریز قهرمان تنها مانده و از هر سو در محاصره قوای دشمن قرار داشت ستارخان به مردم چنین نوید داد: **هیچ واهمه ننمایید! ... زیرا ما در سر حقوق ملیه خود که عین عدالت است، کوشش می نماییم و ایشان (منظور مخالفین مشروطیت) در منافع شخصی و به ضرر ملت تلاش می کنند** (محمدباقر ویجویه، بلوای تبریز صفحه ۲۴۸)

بمناسبت سالروز درگذشت ستارخان سردار ملی ایران ستارخان: ما بر سر حقوق ملیه خود که عین عدالت است

ستارخان اهمیت حفظ نیروهای مسلح پاسدار انقلاب را بدرستی دریافت و به همین جهت در پاسخ به انقلابیونی که شاهد مسخ انقلاب از سوی لیبرال-ملاکین بودند و می خواستند بطور قاطع سازشکاران افشاء و با آنان مبارزه شود، چنین گفت: **"این دولت را خودمان برانگیخته ایم و شایسته نیست که با او نافرمانی کنیم"**

سازشکاران افشاء و با آنان مبارزه شود چنین گفت: **"این دولت را خودمان برانگیخته ایم و شایسته نیست که با او نافرمانی کنیم"** (کسروی تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان صفحه ۱۳۱)

پس از حادثه "پارک اتابک" که طی آن "سردار ملی" به دست سواران بخنثاری و قزاق ها تیر خورد و همزمانش خلع سلاح شدند ستارخان عملاً از صحنه سیاست کنار رفت و ۴ سال بعد در زندان غیررسمی که ارتجاع حاکم با همدستی لیبرالها برایش فراهم کرده بود درگذشت.

ستارخان اگرچه در صحنه سیاست پختگی و درایت یک رهبر سیاسی را نداشت، اما تا لحظه مرگ به توده محروم و ستم کشیده ای که خود از میان آنان برخاسته بود وفادار ماند. او در جریان رهبری مقاومت قهرمانانه مردم تبریز در برابر یورش ارتجاع به اهمیت حضور توده ها در صحنه پی برده اما متأسفانه نتوانست نقش قانونمند آن را در پیروزی و تداوم یک انقلاب درک کند دفاع او از انجمن تبریز روایت دوستانه او با انقلابیون کمونیست ایران به ویژه حیدر عموآوغلی که همواره در مورد او می گفت: **هرچه حیدر خان بگوید همان است** نیز علی مسیور و دیگران بیانگر عشق او به توده ها و فرزندان راستین آنان بود.

سازمان ما خاطره این انقلابی بزرگ ایران را صمیمانه گرامی می دارد و انتظار دارد در جمهوری اسلامی ایران خاطره چنین قهرمانان ملی، آنچنان که شایسته آنان است مورد قدردانی قرار گیرد.

لنین به ستارخان لقب "پوکاچف ایران" را داد (پوکاچف رهبر یک قیام دهقانی علیه تزار روسیه بود که ۵ سال بطور انجمنی و محمد علی میرزا، شاه قاجار برای سر او "صد هزار روبل جایزه تعیین کرد. (انقلاب مشروطیت ایوانوف صفحه ۵۸)

بر اثر مقاومت قهرمانانه مردم تبریز، آتش انقلاب که می رفت به دست مرتجعین سپیدمدل و لیبرالهای خیانت پیشه خاموشی گیرد مجددا شعله کشید و به فتح تهران و خلع سلطنت قاجار انجامید.

از همان فردای فتح تهران و تشکیل "دولت مشروطه" تلاش برای خلع سلاح مجاهدین نهضت مشروطه و کنار نهادن انقلابیونی چون ستارخان آغاز شد. سردار اسعد و سپهدار به کمک سایر مرتجعین و لیبرالهای به قدرت خزیده توطئه انتقال ستارخان به تهران و جداساختن او از مردم و مجاهدین همزمش را طرح کردند.

متأسفانه "سردار ملی" همانقدر که در عرصه جنگاوری کاردان و لایق بود در صحنه سیاست نتوانست پیچیدگی های مبارزه را دریابد و لذا در دام توطئه لیبرالها که برای مهار انقلابیون و توقف انقلاب می کوشیدند، فرو افتاد. او اهمیت حفظ نیروی مسلح پاسدار انقلاب را به درستی دریافت و به همین جهت در پاسخ به انقلابیونی که شاهد مسخ انقلاب از سوی لیبرال ملاکین بودند و می خواستند بطور قاطع

رفیق فدایی یوسف ذوالفقاری ظهر روز دهم مهرماه سال جاری سازمان ما یکی از هواداران پرشور و فعال خود را طی یک سانحه از دست داد. رفیق یوسف ذوالفقاری روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری در جمع عده ای از دوستان و رفقایش در تهران می گوید:

"مردم را به شرکت هرچه همجانبه تر دعوت نمایم و شرط اولیاش هم این است که خودمان بدون تزلزل و با شوری درخور، قدم پیش بگذاریم" و سپس اضافه نمود: **"من به خانواده ام سپرده ام حتما شرکت نمایند خودم هم به این دلیل که شناسنامه ام در مرند است امشب حرکت می کنم تا فردا اول صبح پای صندوق رای باشم، که متأسفانه در جریان همین سفر بر اثر تصادف مصدوم و سرانجام درگذشت. رفیق مهندس یوسف ذوالفقاری یکی از فداکارترین رزمندگان جبهه کار بود. و در کارخانه ای که در آنجا به کار اشتغال داشت تمام هم خود را بکار می برد تا سطح تولید را هراندازه بیشتر بالا برد و اخیراً نیز طرحی در دست تهیه داشت تا با همکاری جهاد سازندگی در منطقه مرند اقدام به ایجاد واحد تولیدی بنماید.**

فقدان رفیق ذوالفقاری که جز رفقای سازمان در منطقه مرند بود، موجب تأثر و تألم شدید رفقای ما و مردم زحمتکش و مبارز این شهر که از نزدیک با خصائل انقلابی او آشنا بودند، گردید.

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که دو تن از رفقای ما در اثر سانحه اتوموبیل و غرق شدن در دریا جان خود را از دست داده اند. ما ضمن ابراز تأسف فراوان، این واقعه دردناک را به خانواده های رفق تسلیت می گوئیم و گوشه هایی از زندگی افتخارآمیز این رفق را نقل می کنیم:

رفیق فدایی حمید نوانهادی:

در سال ۱۳۳۷ در خانواده زحمتکشی در شهر لاهیجان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و ریاست را در زادگاهش به پایان رساند. فقر و فساد و محرومیت دوره ستم شاهی راه او را به سوی مبارزه با عوامل اصلی این نیکت و نابسامانی یعنی رژیم سرسپرده شاه گشود. رفیق با شرکت در محافل سیاسی و مبارزه جو، ضمن ارتقاء آگاهی خود به انجام وظایف انقلابی خود پرداخت علاقه وافرش به کودکان و نوجوانان و درک نقش آنها در تغییر جامعه کهن و پی ریزی جامعه نوین موجب شد که به معلمی روی آورد و با طی دوره دو ساله دانشسرای تربیت معلم رشت آماده شد تا در سنگر کلاس درس به مبارزه با امپریالیسم بپردازد. اما دریفا در روز جمعه بیستم شهریورماه سال جاری امواج خروشان دریای خزر او را به کام دریا کشید و در اوج نفرت از امپریالیسم و دسائس و توطئه های علیه انقلاب و مردم ما در بلندای قله عشق به کارگران و زحمتکشان جان داد.

مخالفان سوسیالیسم واقعاً موجود از سوسیالیسم اطلاع کمی دارند

در اثر پیشداوری‌های ضد کمونیستی، که سرمایه‌داری جهانی و ایرانی‌القاء می‌کنند، دوستی و هم‌ریشی ما با کشورهای سوسیالیستی پیشرفت گندی دارد

تولید آن به ۲۵ درصد تولید جهانی رسیده است و با آمریکا تفاوت اندکی دارد و در مورد چندین قلم مهم (مانند فولاد) از آمریکا جلو افتاده است.

به علاوه کسورهای سوسیالیستی مجبورند در مقابل آمریکا که ساعتی ۳۰۰ میلیون دلار خرج تبلیغات می‌کند، خود را حفظ کنند از جهت علم و فن از کل جهان سرمایه‌داری عقب نمانند. و این وضع با چار آنها را به صرفه‌جویی وامی‌دارد. والادری کشورهای سوسیالیستی حتی از جهت رفاه عمومی نیز اکنون سطح از بالاترین سطح جهانی بالاتر بود.

با ابحال سوسیالیسم دارای چنان قدرتی است که هم در حیطه رفاه و ترقی اجتماعی و هم در حیطه دفاع و کمک به جنبش‌های انقلابی، کارهای معجزه‌آسا می‌کند و اگر صبر کنید، خواهید دید که کارهای معجزه‌آسای هم خواهد کرد.

مستأسفانه دشمنی با سوسیالیسم در کشور ما ریشه‌های بسیار عمیق دارد و پیشداوری‌های سفیها و سطحی زیاد است. ولی در وزارت امور خارجه ما اکنون تحولاتی دیده می‌شود و ما امیدواریم که آقای موسوی وزیر امور خارجه‌ای که به نخست‌وزیری رسیده و همچنان سرپرست وزارت امور خارجه بر عهده دارد، نتواند هرچه سریع‌تر، بیشتر و کامل‌تر به سنت نامیون سنجایی‌ها پیوندد، بی‌صدرا و فطرباده‌ها در وزارت امور خارجه غلبه کند.

شب بخوابد و صبح میلیون‌های خود را دو برابر کند فرمول شاه ملعون برای تبدیل ایران به "ژاپن دوم" و رسیدن به "تمدن بزرگ" همین بود. حاجی مقدر اسلام دوست " این اقتصاد خائنه و راهزانه بد نیست ولی برای مردم ایران بد است. مردم مایلند به استقلال اقتصادی برسند، تا از آنجا زندگی خود را به مقام شایسته‌ای اعتلا دهند.

برای این کار ناچار باید به آن "کوپنیسم" تن در دهند که در واقع کلان سرمایه‌داران زالوصفت آن را تحمیل کرده‌اند. کشورهای سوسیالیستی کوپنیستی نیستند، ولی کشورهای مصرفی هم نیستند. درآمد ملی در آنجا صرف خانه‌سازی، مدرسه، بیمارستان، بالابرند، بازده محصولات کشاورزی بسط صنایع ایجاد جاده هوایی و زمینی و رودخانه‌ای و هزاران هزار کار مفید دیگر می‌شود. درست در سایه همین سیاست بازارها و انبارها را از هر بود که اتحاد شوروی که در جنگی که بخواید (از بنش ۱۹۱۳ - ۳ - ۴ درصد تولید تا اتوموبیل) ملو سازد و جهانی را داشت، اکنون

سیاست کوپنی امروز نتیجه مستقیم سیاست شاه و سرمایه‌داری بین‌المللی و وابستگی اقتصادی ایران است و کاری است ضرور و ناگزیر. اجراء آن را خود زندگی پس از انقلاب دیکته کرده و مقامات دولتی تحت تاثیر هیچ "القاء ایدئولوژیک" نبوده‌اند بلکه برای حفظ اقتصاد ایران و نجات تدریجی آن از وابستگی منطقی به این نتیجه رسیده‌اند. "حاجی آقا فلان چی" که این تبلیغات را می‌کند، مایل است:

- ۱ - نفست ایران به قیمت دلخواه امپریالیست‌ها در اختیار آنها قرار گیرد (یعنی معلم ما در این رفتار آقای زکی یمانی باشد)!
- ۲ - دلار حاصله از این نفت تقسیم شود. قسمتی صرف خرید اسلحه گردد، قسمتی به "حاجی" داده شود، تا آن را اعتبار ورود کالا قرار دهد.
- ۳ - او با بست و بنند ضد میهنی با شرکت‌های سرمایه‌داری امپریالیستی بازارها و انبارها را از هر بود که بخواید (از بنش ۱۹۱۳ - ۳ - ۴ درصد تولید تا اتوموبیل) ملو سازد و جهانی را داشت، اکنون

قدیمی که در حق مزدک هم می‌گفتند، درباره کشورهای سوسیالیستی رایج است. مثلاً اینک سه گویا در کشورهای سوسیالیستی قواعد تشکیک خانواده نیست! این او احر لیرالها (البته بنا به تصمیم مراکز تبلیغاتی امپریالیستی) می‌گویند: "کوپنیسم" ، یعنی "کمونیسم" و آن را "هم" "توده‌ای‌ها" و "اکثریتی‌ها" به "ملاها" یاد داده‌اند! واقعا که تبلیغ از این مبتذل‌تر، عامیانه‌تر و مودیانه‌تر نمی‌شود. برای اطلاع این ملغان باید گفت که در کشورهای سوسیالیستی سیستم کوپن وجود ندارد و کالاهای ضرور در مغازه‌ها به حد لازم در دسترس خریداران است. کوپن در همه کشورهای اروپا از انگلستان و فرانسه گرفته تا شوروی به علت کمبود کالا در دوران جنگ دوم و مدتی پس از جنگ وجود داشت. بعد هم خاتمه یافت. در دوران جنگ دوم جهانی کوپن در ایران هم برای عده‌ای از کالاهای ضرور وجود داشت. اجراء

مخالفان سوسیالیسم واقعا موجود (سوسیالیسم علمی) در کشور ما متأسفانه کم نیستند و برخی از آنها حتی خود را "سوسیالیست" هم می‌نامند!

در اثر دهها سال تبلیغ رژیم ارتجاعی سلطنتی و عمال سرمایه‌داری بزرگ بین‌المللی (امپریالیسم) در اثر قطع عملی هرگونه ارتباط پیگیر و واقعی میان مین و کشورهای سوسیالیستی اروپا و آسیا و آمریکا، اطلاع حتی افراد با حسن نیت، درباره کشورهای سوسیالیستی و به ویژه همسایه شمالی ما اتحاد جماهیر شوروی ناچیز، مغلو طو و مفلو ش است. آنهایی هم که چند روزی چند پایتختی را در جهان سوسیالیسم دیده‌اند، با منطق مصرفی و الگوهای آمریکایی درباره‌اش سخن می‌گویند.

مردم در این زمینه گناهی ندارند. تبلیغات یک بند رسانه‌های گروهی، که در اختیار کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان بوده آنها را به بیراهه کشانده است. وقتی آدم یک فقیر نادان زنده پوش کلبه‌نشین محروم از همه چیز را می‌بیند که از گولوی "کمونیسم" می‌ترسد، احساسی از خنده و گریه به او دست می‌دهد. تبلیغات تا آنجا موفق بوده است که کسی را که باید آرزومند سوسیالیسم باشد، از آن به دلایل مختلف هراسان کرده است. یا فلان کدبانوی مال‌دوست تصور می‌کند که اولین کار کمونیست‌ها این است که رادیوی خانه‌اش را " مصادره " کنند و قالیچه خرک را از زیر پایش بکشند! هنوز خزعبلات افترا آمیز

پیشبرد یک سیاست فعال ضد امپریالیستی در صحنه خارجی و با توجه به حساس بودن منطقه جزا از طریق شناخت صحیح دوستان و دشمنان انقلاب و هماهنگی و همکاری و اتحاد با تمامی رژیم‌های انقلابی منطقه آسیایی و افغانستان تا کشورهای عضو حبه پایداری میسر نمی‌باشد. هرگونه حد فاصل گذاشتن بین رژیم‌های ترقیخواه بر مبنای ایدئولوژی آنها کاری نادرست و در نهایت، ایجاد شکافی است که امپریالیسم می‌تواند در آن رخنه کند. تنها معیار برای شناخت دوستان و دشمنان انقلاب درجه فاطمیت آنان و مبارزه عملی آنان علیه امپریالیسم جهانی سرکردگی امریکای جنایتکار است.

خارج جمهوری اسلامی ایران. نیز طی اطلاعیه‌های مانورهای نظامی "ستاره درخشان" را محکوم نمود. اما مانورهای اخیر آمریکا در منطقه بار دیگر زنگ هشدار را برای کلیه نیروهای انقلابی این خطه جهان به صدا در می‌آورد تا بیش از پیش وظایف خطیر خود را دریابند و آگاه باشند که در مقابل تمام نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی که یکپارچه و متحد عمل می‌کنند، یکپارچگی و وحدت خلقهای منطقه و نیروهای انقلابی و هماهنگ ساختن سیاست‌هایشان امری الزامی است. ضروری است که جمهوری اسلامی ایران در مقابل این توطئه‌ها نقش فعال‌تری بر عهده گیرد. امروز دیگر بر همگان آشکار است که

گذشته فاش کرد که آمریکا طرح‌هایی برای مانورهای هوایی و دریایی در نزدیکی مرزهای کوپا و نیکاراگوئه را نیز در نظر دارد.

مخالفت نیروهای انقلابی با مانور

مانورهای مشترک آمریکا و رژیم‌های مرتجع منطقه با مخالفت قاطع رژیم‌های ترقیخواه، مردم آگاه و نیروهای انقلابی منطقه مواجه گشت. کشورهای عضو حبه پایداری و اتیوپی متفقا ضمن محکوم کردن این عملیات آن را تهدیدی جدی برای منطقه قلمداد کرده و نسبت به عملکردهای امپریالیسم آمریکا هشدار دادند. وزارت امور

بقیه از صفحه ۱۴

مانور "ستاره درخشان" خشم

قرائن نشان می‌دهند که رار بود از عربستان سعودی یز به عنوان یکی از پایگاه‌های بن مانور استفاده گردد، یکن به نظر می‌رسد که با للاحدید مقامات آمریکایی سعودی به خاطر ملاحظاتی سیاسی متعدد از جمله نقشی، این روزها عربستان در بطنه با " صلح در خاورمیانه حل مسئله فلسطین " در بش گرفته است از انجام این صرف نظر گردد. در شرایطی که امپریالیسم ریکا سیاست جنگ‌افروزانده باوزگرانه خود را ابعاد دیدی بخشیده بی‌شک این

اوپیک ، صنعت نفت و راه حل دشواری‌ها

اعضای اوپیک در جلسه فوق‌العاده وزیران نفت در ۲ آبان در ژنو تصمیم گرفتند که بهای هر بشکه نفت خام را بین ۲۴ دلار و ۲۸ دلار تعیین کنند و این قیمت‌ها تا اواخر سال ۱۳۶۱ (آخر سال ۱۹۸۲) برقرار بماند. این تصمیم در واقع تأیید پیشنهاد عربستان در کنفرانس ۲۸ مرداد ۳۶۰ است که در آن تاریخ به علت مخالفت جناح پیشرو اوپیک تصویب نشد. اما اینک پس از گذشت ۲ ماه و ده روز اوپیک زیر فشار عربستان (که در حدود ۵۰ درصد نفت اوپیک را تولید می‌کند) ناگزیر به پذیرش این پیشنهاد شد. برای اینکه به اهمیت این پیشنهاد و تأثیر آن بر قیمت نفت صادراتی بی‌بیریم این نکته را می‌توانیم ذکر کنیم که کنفرانس اوپیک در مالی ، در اواخر آذر ۱۳۵۹ نزدیک به یک سال پیش ، قیمت نفت اوپیک بین ۲۲ و ۲۱ دلار تعیین شد. با توجه به روند سریع افزایش قیمت‌ها در کشورهای امپریالیستی که درآمد ارزی اغلب کشورهای اوپیک صرف خرید محصولات آنها می‌شود ، و تنزل ارزش دلار نسبت به سایر ارزها ، و تنزل همه ارزها نسبت به طلا ، درمی‌یابیم که با تثبیت قیمت نفت خام در سطح ۲۸ - ۲۴ دلار عملاً قیمت نفت نه تنها افزایش نیافته بلکه در واقع کاهش نیز یافته است.

اما بیسیم چرا امپریالیسم نتوانست چنین سیاستی را که به زیان کشورهای صادرکننده نفت است ، در اوپیک به پیش برد ؟

مسئله در دو سطح مطرح است ، نخست در سطح جهانی و خصوصیات بحران کنونی سرمایه‌داری و دیگر موقعیت کشورهای مرتجع عضو اوپیک و به‌ویژه عربستان. ابتدا به جنبه نخست ساله می‌پردازیم. به علت بحران رو به گسترش سرمایه‌داری در کشورهای امپریالیستی آمریکا ، اروپا و ژاپن بسیاری از واحدهای تولیدی این کشورها با ظرفیتی کمتر از امکانات تولید می‌کنند. این مسئله در بیکاری رو به تزاید در این کشورها که در هر کدام میلیون‌ها نفر از کارگران و متخصصان از کار بیکار شده‌اند ، نیز متجلی است. بدیهی است کاهش تولید با کاهش میزان مصرف انرژی همراه است و عمده‌ترین منبع انرژی کارخانه‌های

کشورهای امپریالیستی فرآورده‌های نفت خام است. در حالی که در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ مصرف نفت که ۸۰ درصد آن در کشورهای امپریالیستی بود ، در حدود ۱۵۰ درصد افزایش یافت. در ابتدای رشد بحران کنونی سرمایه‌داری رشد مصرف نفت رو به کاهش گذاشت. در سال ۱۹۸۰ تقاضای جهانی برای نفت ۷/۵ درصد کمتر از رقم مذکور در سال ۱۹۷۹ بود همزمان با کاهش مصرف نفت، امپریالیسم جهانی برای مقابله با اوپیک و روند افزایش قیمت نفت از یک سوی دست به ایجاد ذخایر عظیم استراتژیک نفت زد تا در مواقع اضطراری نیازهای خود را از آن محل تأمین کرده و از آن به صورت اهرمی برای دخالت در بازار نفت جهان استفاده کند. و از سوی دیگر، از طریق آژانس بین‌المللی انرژی سیاست‌های نفتی خود را در مقابل کشورهای صادرکننده نفت هماهنگ کرده تا به رهبری امپریالیسم آمریکا سیاست نفتی ضد اوپیک را پیش برد. اما جنبه دیگر مسأله وجود جناح قدرتمند ارتجاعی در درون اوپیک است که به رهبری عربستان صریحاً و وقیحانه از سیاست نفتی امپریالیسم جانبداری کرده و می‌کوشد آن سیاست را به پیش برد. عربستان به تنهایی در حدود ۵۰ درصد نفت اوپیک را تولید می‌کند و به علت داشتن ذخایر سرشار نفتی توان آن را داشته است که در شرایط کنونی که آهنگ افزایش تقاضای بازار جهانی برای نفت خام روبه کاهش گذاشته است ، با سرازیر کردن نفت خام به بازار جهانی، کشورهای را که حاضر به پذیرش قیمت پیشنهادی عربستان نبوده‌اند، تحت فشار قرار دهد. این موقعیت عربستان سبب شده است که این کشور بتواند در شرایط کنونی نظر ارتجاعی خود را به اوپیک تحمیل کند.

اما گذشته از اینها مسأله‌های دیگر، و از جهاتی اساسی‌تر وجود دارد. و آن این است که در مقابل این سیاست ارتجاعی، دولت جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم مبواضع ضد امپریالیستی آن‌ناگزیر به

پذیرش سیاست تحمیلی عربستان می‌شود زیرا درآمد حاصل از فروش نفت خام برای اقتصاد وابسته ایران امری حیاتی است. در اقتصاد تک‌محصولی ایران تقریباً تمامی ارز مورد نیاز از راه فروش نفت خام به بازار جهانی بدست می‌آید. بین ۷۰ تا ۸۰ درصد بودجه دولت را درآمد نفت تشکیل می‌دهد ، ۸۰ درصد واردات آن ، که مهمترین بخش از درآمد ارزی ایران به آن اختصاص داده می‌شود و برای به‌راه انداختن صنایع وابسته است ، سحت به درآمد حاصل از فروش نفت خام نیازمند است تا در برابر این پایه بچرخد حربه تحمیل و تحریم می‌تواند کارآمد باشد.

پس چه بسااید کرد ؟

۱) ایمن امری بدیهی است که ایران باید همچنان به صورت عضوی فعال در اوپیک در مقابل سیاست‌های ارتجاعی دولت‌های وابسته مبارزه کند و بکوشد جناح کشورهای پیشرو را در اوپیک تقویت نماید. شرایط کنونی بازار جهانی نمی‌تواند دوام یابد علی‌رغم رکود اقتصادی در اروپا آمریکا و ژاپن مصرف نفت خام در آینده‌ای که در پیش است بار دیگر رو به افزایش خواهد نهاد و این وضع از تأثیر فعالیت‌های عربستان و سیاست‌های امپریالیسم در زمینه مقابله با اوپیک خواهد کاست. حفظ و تقویت اوپیک و کوشش در جهت تحکیم موقعیت جناح پیشرو در اوپیک به نفع کشورهای صادرکننده نفت خام که خواهان اتحاد سیاست‌های مستقل از امپریالیسم هستند ، خواهد بود.

۲) در کوتاه مدت و میان مدت دولت جمهوری اسلامی باید تمامی تلاش‌های خود را بکار بندد تا برای فروش نفت خام صرفاً متکی به خرید انحصارات کشورهای امپریالیستی نباشد. امپریالیست‌ها می‌کوشند بازارهای نفت ما را محدود و محدودتر کنند سیاست ما مقابله با این سیاست است.

طی این سالها ظرفیت پالایشگاه‌های ایران صرفاً در حد تأمین نیازهای داخلی افزایش یافته است و کارخانه پتروشیمی داخلی حتی ظرفیت هواگویی بسه نیازهای داخلی را نداشته‌اند

سیاست نفتی ایران باید در جهت صدور فرآورده‌های نفتی به بازارهای جهانی سمت یابد و این مستلزم تعبیری اساسی در صنعت نفت ایران است. این سیاست ایجاب می‌کند که صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی، مستقل از پیوندهای وابستگی بسه امپریالیسم در ایران برپا شود و گسترش یابد. این سیاست ایجاب می‌کند دولت جمهوری اسلامی بتواند مستقیماً و نه از طریق انحصارات نفتی چندی، ملیتی ، به بازارهای جهانی راه یابد و این مستلزم ایجاد شبکه توزیع جهانی است که رکن اصلی آن ناوگان نفتی متناسب با نیازهای صادراتی ایران است.

گذشته از این ، صنعت نفت ایران باید در پیوندی ارگانیک با دیگر بخش‌های اقتصادی قرار گیرد. صنایع جنبی صنعت نفت باید همراه صنایع مصرف‌کننده فرآورده‌های نفتی و نیز صنایع تأمین‌کننده نیازهای صنعت نفت باید در چارچوب برنامه‌های جامع گسترش یابند

همه چیزهایی که . . .

نداشتند که ملت چه کاره است و ملت چه می‌خواهد. همه ملت‌ها باید این مطلب را بدانند که امروز مثل دیروزها نیست. امروز مردم توجّه پیدا کردند به اینکه نباید یک اقلیتی بربک اکثریتی قاطع حکومت کند این مطلب پیدا شده در ذهن مردم

" شما احساس قلبیان این مطلب باشد که واقف ما آمدیم که نه این مردم خدمت کنیم و این خدمت به مردم خدمت به خودمان است یعنی ما اگر این ملتک را با این وضعی که الان دارد به پیش ببریم با این حاضر بودن مردم در صحنه به پیش ببریم و با این همراهی مردم با دولت هر صفا که برای دولت پیش می‌آید مردم پیشقدم هستند "

" ما باید خدمت کنیم به اینها "

" . . . بنابراین اون چیزی که در راس برنامه‌های دولت است ، تعاف بین ملت و دولت و اون هم به اینکه می‌گوییم نظام داریم شاهی که وزیر دارایی هستند آن افرادی را که می‌فرستند به اطراف افرادی باشند که صالح باشند افرادی باشند که با مردم سازند ،

نخواهند بروند اونجا مثل سابق انجام بدهند. اون کسی که وزیر کشور است می‌خواهد بفرستد حکومت‌هایی که می‌فرستند ، استانداری‌هایی که می‌فرستند ، استانداری‌هایی باشند که با علما و با مردم سازند نه اینکه اختلاف پیدا کنند "

اسام حینی در بابان افزودند :

" ما بر این هر یک از شما که می‌خواهید یک ماوری در یک حاکمی بفرستید ماور را درست ملاحظه کنید ببینید چکاره است چه بدهد و است چه باید باشد و پیش ماورش کنید که تو ماوریت تا آن حدود است که ما مردم سازی با روحانیون سازی نوری آنجا معارضه کنی و ما باید همین مسائل را حفظ کنیم اگر جناحه این مسائل حفظ نبود شما خیال نکنید از خارج بتوانند به شما یک صدمه‌ای بریند انشاءالله که نمی‌توانند و انشاءالله خداوند شما را حفظ می‌کند . و شما اگر در خدمت مخلوق باشید در خدمت اس بندگان خدا که خدا علاقه به آنها دارد ، باشد خداوند هم حفظ می‌کند شما را انشاءالله موفق و موند باشید .

بقیه از صفحه ۴

صلح جهانی ...

انحصارات اسلحه ، سیاستمداران و نظریه پردازان آنها مرتباً هزینه‌های نظامی را بالا می‌برند . ایالات متحده آمریکا عمده‌ترین کشور سرمایه‌داری امپریالیستی جهان هم اکنون با ۸/۵ میلیون نفر بیکار مواجه است . سرمایه انحصاری این کشور از بکارگری کامل ظرفیت نیروهای مولد خویش ناتوان است . علیرغم افزایش سرسام‌آور بودجه نظامی که به تنزل سطح زندگی زحمتکشان انجامیده است نرخ رشد تولید در سالهای پس از جنگ کاهش داشته و بدرت از آهنگ رشد جمعیت فراتر رفته است اما محافل حاکمه این کشور همچنان بنحو جنون‌آمیزی به افزایش هزینه‌های نظامی و مسابقه تسلیحاتی دامن می‌زند و بر وخامت اوضاع جهانی می‌افزاید .

بدون تردید پایان بخشی‌شدن به مسابقه تسلیحاتی کنونی علاوه بر نتایجی که برای تحکیم صلح جهانی دارد به سود زحمتکشان خود ایالات متحده آمریکا نیز می‌باشد چرا که بخشی از این هزینه‌ها اشتغال برای بیکاران و ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان را میسر می‌گرداند . نمونه ایالات متحده برای همه کشورهای امپریالیستی مصداق دارد و از همین‌جاست که اهمیت خلع سلاح و پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و تاثیر آن در زندگی توده‌های مردم این کشور نمایان می‌گردد .

گسترش جنبش صلح

نشانه‌پیروزی

تشنج زدائی است

در روزهای گذشته جنبش صلح‌طلبانه دموکراتیک مردم کشورهای اروپایی علیه سیاست‌های جنگ‌افروزانه امپریالیسم بنحو چشمگیری گسترده شده‌است در طول ماههای گذشته در تمام کشورهای اروپایی تظاهرات چند صد هزار نفری مردم علیه گسترش سلاح‌های اتمی و در دفاع از حفظ و تحکیم صلح جهانی صورت گرفت . گسترش این جنبش‌ها که بعد از جنگ دوم جهانی

کمک‌های مالی دریافت شده

الف و ت	ت	د	ط	ل	ح	ی
۲۳۸۲	۲۲۱۱	۲۸۵۸۲	۶۱۲۴	۲۱۲۶	۵۴۲۸	۵۱۱۱
۴۵۷۷	۲۸۹۷				۳۱۱۱	۱۸۰۰
۳۶۱۸	۲۹۹۹				۱۰۰۱	۶۱۰۲
۳۰۰۱	۲۲۱۱					۱۱۴۰۲
۸۵۰۱						۵۳۲۳
۱۱۴۴۴						
۶۴۴۴	۴۷۰					
۸۰۵	۱۰۰۰۰ ج-ر					
۱۰۲۲۲	۲۱۷۷					
۶۰۲	۶۰۲					
۵۲۲۲	۶۴۴					
۵۶۷	۶۱۳۳					
۱۰۳۸	۱۳۳					
۲۱۰۰						
۶۲۲۲						
۱۱۷۱						
ب	ج	س	ع	ف	ن	و
۱۲۲۲	۱۲۱	۱۰۱۰۱	۳۴۱۸	۱۰۰۱۱۰	۱۶۲۳	۵۳۵۰
۱۲۰۰۱	۸۷۸	۲۳۳۵	۲۰۳۱	۴۴۴	۸۳۳	۲۰۲۰۰
۹۸۰۱	۷۱۰۸	۱۰۱۱۱	۲۳۰۰	۲۰۰۷	۱۰۷۸	۳۱۳۵
۵۰۱۰۴	۱۰۰۵۹	۱۱۱۱	۲۳۰۰	۲۰۰۷	۲۳۳۴	۳۱۳۵
۱۰۲۲۲	۵۳۳۵	۳۰۱۱۱	۵۵۵۵	۱۲۱۲	۱۱۱۸	۳۱۳۵
۲۲۲۲	۴۴۴	۳۰۱۱۱	۱۱۲۵	۳۱۵۱	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۵۴۰۰	۶۲۰	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۱۰۰۰	۲۲۰۹	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۲۵۰۰	۱۱۱۳	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۵۰۰	۲۲۰۹	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۵۰۰۰	۱۶۵۰	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۱۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۶۰۰۰	۴۰۰۰۰	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۱۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۱۱۰۰	۷۵۰۰	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۲۰۰۰	۲۰۰۰۰	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۵۰۰	۲۶۴۱	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۱۰۰۰	۴۵۲۲۲	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۱۴۲۱	۶۰۲	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۵۲۰	۶۰۱	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۵۰۱۹	۶۰۱	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۷۱۱۲	۵۱۵۹	۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
۲۳۶۴		۲۳۰۱	۱۱۲۵	۲۱۲۵	۳۰۱۲	۳۱۳۵
پ	ق	ک	گ	د	س	ی
۵۲۷۴	۵۶۴۳	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۱۱	۲۱۱۱
۱۰۳۲۵	۵۱۰۰	۲۱۵۰	۲۱۵۰	۲۱۵۰	۲۱۵۰	۲۱۵۰
۲۵۱۲	۱۲۰۰	۱۰۴۵۶	۱۰۴۵۶	۱۰۴۵۶	۱۰۴۵۶	۱۰۴۵۶
۹۸۵	۱۱۹۹۹	۶۰۵	۶۰۵	۶۰۵	۶۰۵	۶۰۵
۱۲۲۲						
۵۴۲۱						
۹۱۳۷						
۱۲۱۷						
۲۱۵۰						
۷۶۲۲						
۷۶۲۲						

مردم جهان سبب حضور جنگ و رشد حساسی صلح‌آمیز . خود ناسدی بر صحت این سیاست می‌باند . جنبش سرومند صلح در اروپا از هم‌اکنون انزوای هرچه بیشتر ارجاعی‌ترین محافل جنگ‌افروز امپریالیستی را نوید می‌دهد . این جنبش نسیم پیروزی سرسبز ترقیخواه در سراسر جهان است

مارزات انقلابی در کشورهای سرمایه‌داری و پیروزی جنبش‌های آزادیبخش ملی و افزایش قدرت و نیرومندی اردوگاه سوسیالیستی جهان بطور تنگاتنگ با یکدیگر مربوط هستند . سیاست تشنج‌زدایی که از سوی کشورهای سوسیالیستی پی‌ریزی شده ، علیرغم همه کارشکنی‌های امپریالیست‌ها تاکنون موفقیت‌های روزافزون داشته است که گسترش آگاهی

آنها باشد در شرایطی که اردوگاه سوسیالیستی جهان فعالانه جنگ‌افروزی‌های امپریالیسم را مهار می‌کند توده‌های خلق‌های کشورهای تحت سلطه امکانات مساعدی برای مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع داخلی خود پیدا می‌کنند . مسیر وقایع جهان پس از جنگ دوم جهانی به خوبی نشان داده است که حفظ صلح جهانی و پیروزی



در راه خلق فداکار و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم

کرامی باد خاطره رفقای شهید آبان ماه

- ★ منصور خسروی
- ★ علی دبیری فرد
- ★ سیروس سپهری
- ★ فخری شیدایی
- ★ فرشید فرجاد
- ★ کاک عثمان
- ★ رحیم خدادادی
- ★ محمدرضا چمنی
- ★ حسن جان لنگوری

فدائیان خلق رفقای شهید سنگرهای بیکار با تجاوزگران

- | | | |
|--|--|--|
| <ul style="list-style-type: none"> بروز کریمان مرتضی دارابی اسحاق بابازاده زهره نوسوی وحید نیکسور شهباز باقرزاده کوروش باگین حمید ولادوست غلامرضا صفرزاد محمدرضا حقفری منصور دهقانی بدالله اسماعیلی حسن دهبدار محمدرضا رضاف بروز حلوازی محمدعلی بحرینی ابراهیم علاءوند منصور خدیجی منصور حیدری غلام عباس بخرد علی حاتم زاده نیروز جانی سینی احمد محسنی هادی بغدادی | <ul style="list-style-type: none"> عنایت الله رشیدی محمدرضا آذربای سیدلله مستغانزاده حبیب الله فرحخش ابراهیم تگرچی عبدالحمید نامیر محمد اشرف آبادی فریدون برنجه زاده محمد قاسم قنجهچی محمد مهدی ننگاتام محمد اسدالله زاده رودبند محمد حسن صدرا بادی رحمات الله (امیر) اسفندماربوز جوری ساگان سید (عباس) آقاپور علیرضا خلیلی افراساب (زیوس) سلیمانی سدرضا طالب موسوی محمدرضا اکبری اسف سیرام هیبت الله بامانی امیر سعید واعظی آشتیانی کاظم عبیدی ابرج حسین تیا لطیف علیزاده | <ul style="list-style-type: none"> اکبر بدلی اکبر فخور امیر آقایی علی معاف جواد گنجی البرز بوشی بریم رشیدی رحیم نقیعی سعید گوشن بهرام ورامنی محمود آخو خرو کریمی حسن سرینبی علیرضا کاظمی عبدالله مرادی محمد بازدار غنی اسکویی حسن عالی عباس دهبدار اکرم غفاری بهراد سنوا مرتضی غضنفری المناس باباخانی بروز شریعی |
|--|--|--|

پیروز ناد آرمان انقلابی رفقای شهید

بمناسبت ۲۵ آبان روز شهیدای پاسدار

سپاه پاسداران خاری در چشم آمریکا

اگر سپاه نبود کشور هم نبود - امام خمینی

در صفحه ۱۴

مخالفان سوسیالیسم واقعا موجود از سوسیالیسم اطلاع کمی دارند

■ در اثر پیشداری های ضد کمونیستی ، که سرمایه داری جهانی و ایرانی القاء می کنند ، دوستی نمر بخش ما با کشورهای سوسیالیستی پیشرفت گندی دارد .

در صفحه ۱۷

اوپیک ، صنعت نفت و راه عمل دشواری ها

در صفحه ۱۸

بمناسبت اوج گیری جنبش دموکراتیک صلح در کشورهای اروپایی

صلح جهانی و اهمیت مبارزه در راه حفظ و تحکیم آن

قسمت دوم

در صفحه ۱۹

انقلاب

«قاسمی ها» را

افشاء می کند

■ در این دادگاه و در پیشگاه مردم ایران بار دیگر گوشه های تاریک و افشاء نشده های از خیانتکاری جبهه ملی و حزب ایران که به گفته یک شاهد عینی " در بسیاری از مقاطع کارگزار رژیم شاهنشاهی بودند " برملا گشت .

در صفحه ۱۳

بمناسبت سالروز درگذشت

ستارخان سردار ملی ایران

ستارخان:

ما بر سر حقوق ملیه خود
که عین عدالت است
تلاش می کنیم

■ ستارخان اهمیت حفظ نیروهای مسلح پاسدار انقلاب را بدرستی در نیافت و به همین جهت در پاسخ به انقلاب بیونی که شاهد مسخ انقلاب از سوی لیبرال-ملاکین بودند و می خواستند بطور قاطع سازشکاران افشاء و با آنان مبارزه شود ، چنین گفت :
" این دولت را خودمان برانگیخته ایم و شایسته نیست که با او نافرمانی کنیم "

در صفحه ۱۶

پیش سوی تشکیل حزب طبقه کارگر